

فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی  
دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)

سال سیزدهم، شماره ۵۰ (تابستان ۱۴۰۳) صص ۱۳۷-۱۸۵

## بررسی علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم شش ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از آموزه‌های جریان اصلی مطالعات تروریسم و روش «گلچین‌گرایی تحلیلی»

● نیما رضایی<sup>۱</sup>

دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

● رامین محمودی<sup>۲</sup>

کارشناسی ارشد مهندسی عمران کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷

### چکیده

خشکاندن ریشه‌های تروریسم مستلزم آن است که به علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم پرداخته شود که این مهم جز به واسطه بهره‌گیری از نظریه‌های پرمایه و عمیق میسر نخواهد بود. اگر در تمهیدات ضدتروریستی تهاجمی شورای عالی امنیت ملی (شعاع)، شورای امنیت کشور (شاک)، وزارت اطلاعات (واج)، سازمان اطلاعات سپاه، نیروهای نظامی، دستگاه قضایی، نیروی اعمال قانون (پلیس) و وزارت امور خارجه (واخ) دخالت دارند، برطرف نمودن علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم، عزم تمامی دستگاه‌های حاکمیتی (قوای مقننه، مجریه و قضائیه) را می‌طلبد. هدف اصلی پژوهش حاضر آن است که علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم شش ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران را به واسطه بهره‌گیری از روش «گلچین‌گرایی تحلیلی» (Analytic Eclecticism) استخراج نموده تا بر اساس بینش حاصل شده، بتوان آن‌ها را مدیریت نمود. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم شش ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران ده مورد هستند که شامل (۱) علل و عوامل خارجی؛ (۲) علل و عوامل روان‌شناختی؛ (۳) علل و عوامل سازمانی؛ (۴) علل و عوامل اقتصادی؛ (۵) علل و عوامل تاریخی؛ (۶) علل و عوامل اجتماعی؛ (۷) علل و عوامل فرهنگی؛ (۸) علل و عوامل فنی؛ (۹) علل و عوامل سیاسی؛ و (۱۰) علل و عوامل مذهبی هستند. این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد. داده‌های مربوطه از منابع ویا محور (ایترنتی) و کتابخانه‌ای استخراج و گردآوری شده است. روش‌شناسی این پژوهش، گلچین‌گرایی تحلیلی از میان سه نظریه پرمایه و عمیق شامل نظریه «آدری کرت کرونین»، نظریه «۲۰۰» محقق برجسته و دست‌اندرکار متخصص تروریسم در کنفرانس مادرید در مارس ۲۰۰۵ و نظریه «برینیار لیا» که همه در زمره جریان اصلی مطالعات تروریسم قرار دارند، می‌باشد.

**کلید واژگان:** تروریسم، جریان اصلی مطالعات تروریسم، تروریسم شش ضلعی، جمهوری اسلامی ایران، علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم.

1. nima.r@khu.ac.ir

2. Nrir200200@gmail.com

«ماسکالینیت» معتقد است که مفهوم «تروریسم» به پنج شیوه مختلف تعریف می‌شود: شیوه اول شامل تعاریف [مبتنی بر] فهرست - نوع<sup>۱</sup> [یا تعاریف چک‌لیستی] می‌باشد که اغلب در حوزه حقوقی مورد استفاده قرار می‌گیرند و شامل دسته‌بندی برخی از اقدامات تحت عنوان «تروریسم» و برخی از سازمان‌ها یا گروه‌ها تحت عنوان «سازمان‌های تروریستی» می‌گردد. رویکرد دوم به تعریف تروریسم یک رویکرد تاریخی است و نگاهی عمیق‌تر به استفاده از واژه تروریسم در طول زمان می‌اندازد و به این ترتیب از اصطلاح تروریسم ماهیت‌زدایی<sup>۲</sup> می‌نماید. به عنوان یک اصطلاح سیاسی، مفهوم «تروریسم» در خلال انقلاب فرانسه در قرن هجدهم وارد فرهنگ لغات گردید و در آغاز همراه [و قرین] اقدامات دولت بود. شیوه سوم تعریف تروریسم بر تعاریف تحلیلی<sup>۳</sup> تأکید دارد که تمرکز آن معمولاً بر سه ویژگی اصلی تروریسم می‌باشد: «خشونت»، «اهداف سیاسی» و «قصد ایجاد فضای هراس»؛ بنابراین در این رویکرد، تلاش بر یافتن آن دسته از عناصری که پدیده تروریسم را ایجاد می‌نمایند و همچنین اجازه می‌دهد تا تروریسم از پدیده‌های دیگری نظیر شورش [یا یاغیگری] و آدم‌کشی سیاسی<sup>۴</sup> تفکیک شود قرار می‌گیرد. در شیوه چهارم تعریف تروریسم، تعاریف هنجاری<sup>۵</sup> استفاده می‌شود که از مفاهیم مورد استفاده در تعاریف تحلیلی از تروریسم بهره می‌جوید، لکن وزنی اضافی برای غیرمشروع بودن خشونت‌های تروریستی و اهداف فعالیت‌های تروریستی که تحت عنوان «غیرنظامیان بی‌گناه»<sup>۶</sup> شناخته می‌شوند، قائل می‌شود. در حالیکه تعاریف تحلیلی سعی می‌کنند تا معرفی بی‌طرفانه‌ای از پدیده تروریسم ارائه دهند، عناصر هنجاری یا حتی محکوم‌کننده اغلب به شیوه خود به تعریف تروریسم می‌پردازند. شایع‌ترین چنین عناصری، صفات «غیرقانونی» و «غیرمشروع»<sup>۷</sup> هستند که به کلمات «خشونت» و «بی‌گناه» و یا «غیرنظامیان بی‌گناه» و به منظور تعیین اهداف تروریسم وصل می‌گردند. شیوه پنجم تعریف تروریسم نیز

1. list-type definitions
2. de-essentializing
3. analytical definitions
4. insurgency or political assassination
5. normative definitions
6. innocent civilians
7. 'illegal' and 'illegitimate'

مربوط به رویکرد مطالعات انتقادی تروریسم (CTS) می‌باشد که تأکید مؤکدی بر دولت مبذول می‌دارد و در مورد این موضوع که چگونه تروریسم می‌تواند به عنوان یک «واقعیت اجتماعی» نگریسته شود یا منحصرأً به عنوان مقوله‌ای گفتمانی دیده شود، بحث می‌نماید (Maskaliūnaitė, 2018, PP. 26-35).

چنانچه هر یک از این پنج شیوه تعریف «تروریسم» که «ماسکالینیت» آن‌ها را دسته‌بندی نموده به عنوان مبنای تعریف خود پذیریم، اولین ترور انجام شده در جمهوری اسلامی ایران در سوم اردیبهشت ۱۳۵۸ یعنی هفتاد روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی انجام گرفت که دو نفر از اعضای گروه موسوم به «فرقان»، سرلشکر «محمودولی قرنی»، رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران را در منزل خود واقع در خیابان ولی عصر (پهلوی سابق) ترور نمودند و از این تاریخ به بعد، مردم ایران شش جریان تروریستی را در مقابل خود ملاحظه کرده‌اند. این تروریسم شش ضلعی شامل تروریسم چپ‌گرا یا دست چپی (سازمان مجاهدین خلق)، تروریسم راست‌گرا یا دست راستی (انجمن پادشاهی ایران یا تندر؛ و ارتش مردمی)، تروریسم چپ‌گرا - قومیت‌گرا - جدایی‌طلب (حزب دموکرات کردستان یا حدکا؛ کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران یا سازمان انقلابی زحمت‌کشان کردستان ایران؛ حزب حیات آزاد کردستان یا پژاک؛ حزب آزادی کردستان یا پاک؛ سازمان خبات انقلابی کردستان ایران یا خبات؛ جامعه دموکراتیک و آزاد شرق کردستان یا کودار)، تروریسم قومیت‌گرا - مذهبی (جنداله، جیش العدل، سپاه صحابه ایران، جیش النصر و انصار الفرقان)، تروریسم قومیت‌گرا - جدایی‌طلب (حرکه النضال العربی لتحرير الأحواز یا الاحوازیه، حرکه التحرير الوطنی الأحواز، جبهه دموکراتیک خلق عرب احواز، حزب تضامن الیدمقراطی الأحوازی، سازمان ملی آزادی‌بخش احواز یا حزم، الجبهه (المنظمه) العربیه لتحرير الأحواز (میعاد) و حزب النهضه العربی لتحرير الأحواز) و تروریسم مذهبی (فرقان و داعش) می‌باشد.

اگرچه جمهوری اسلامی ایران تلاش نموده است در راهبرد ضدتروریسم خود مجموعه‌ای از تمهیدات ضدتروریستی تدافعی و تهاجمی را در راستای کاهش تأثیرگذاری تروریسم بر زندگی مردم به کار گیرد لکن از آنجا که به علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم به صورت دقیق پرداخته نشده است، اضمحلال کامل تروریسم محقق نشده است.

«پل آر. پیلار» معتقد است همه اقداماتی که می‌توان به منظور مبارزه با تروریسم<sup>۱</sup> انجام داد، معمولاً

1. to combat terrorism

برچسب «ضدتروریسم»<sup>۱</sup> دریافت می‌کنند. هر چیزی که ریشه‌های تروریسم را قطع نماید یا علل تروریسم<sup>۲</sup> را تضعیف کند، حداقل و تا حدودی یک تمهید ضدتروریستی<sup>۳</sup> شناخته می‌شود، حتی اگر به طور معمول اینگونه مورد خطاب قرار نگیرد و حتی اگر دیگر اهداف سیاسی نیز در میان باشند (Pillar, 2008, p. 377)؛ بنابراین در این پژوهش تلاش می‌شود تا به علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم شش ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود.

لازم به ذکر است که دو تعریف سلبی و ایجابی از مفهوم «امنیت» ارائه شده است. از دید برخی از محققان که نگرشی سلبی به «امنیت» دارند، «امنیت» رابطه‌ای این‌همانی<sup>۴</sup> با نبود «تهدید» دارد. به عنوان مثال، «کن بوث» به عنوان یکی از شارحان و متقدمان «مطالعات امنیتی انتقادی (CSS)» در مقاله «امنیت و رهایی بخشی» خاطر نشان می‌سازد که «امنیت به معنای نبود تهدیدها است» (Booth, 1991, p. 319). از دید برخی محققان که نگرشی ایجابی به «امنیت» دارند، برای حصول «امنیت» و دفع «تهدید»ها باید واجد چیزهای خاصی بود. به عنوان نمونه، «یوهان گالتونگ» و «یان اوبرگ»<sup>۵</sup>، یک مفهوم جایگزین امنیت<sup>۶</sup> را بر اساس چهار مجموعه از اهداف ایجابی مرتبط با نیازهای انسانی فرمول‌بندی نموده‌اند: بقا، توسعه، آزادی و هویت. در این چارچوب، امنیت به «سیاست دفاعی ترکیبی برای هر دسته از نیازها و مجموع تلاش‌های دفاعی تمامی سازمان انسانی - اجتماعی» تبدیل می‌شود (Wæver, 1995, p. 50). آنچه که در این پژوهش دنبال شده و ارائه می‌گردد ناظر بر هر دو بعد سلبی و ایجابی امنیت می‌باشد. هدف اصلی پژوهش حاضر آن است که علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم شش ضلعی که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی متوجه مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است را به واسطه بهره‌گیری از روش «گلچین‌گرایی تحلیلی» مورد مذاقه و بررسی قرار دهد تا به واسطه شناخت دقیق علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم شش ضلعی، اضمحلال کامل تروریسم در ایران میسر گردد. در این راستا، از آموزه‌های محققانی که در سنت جریان اصلی مطالعات تروریسم قرار دارند، استفاده می‌شود تا امکان پاسخ‌گویی به پرسش اصلی پژوهش میسر گردد؛ بنابراین این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش اصلی می‌باشد که «علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم شش ضلعی علیه جمهوری اسلامی

1. counterterrorism
2. causes of terrorism
3. a counterterrorist measure
4. identity relation
5. Johan Galtung and Jan Øberg
6. an alternative concept of security



ایران چه مواردی بوده است؟».

### پیشینه پژوهش

با توجه به محدودیت‌های حجمی مقاله‌های علمی-پژوهشی، صرفاً به ذکر پنج منبع مهم اکتفا می‌گردد. «الکس پی. اشمید» در کتاب «فرهنگ پژوهش‌های تروریسم» اجزا و مؤلفه‌های مختلف پدیده تروریسم را در کانون بررسی و تدقیق قرار می‌دهد (Schmid, 2011). «جاکوب ال. استامپ و پریا دِگزیت» در کتاب معروف «روش‌های انتقادی در مطالعات تروریسم» به واکاوی ابعاد مختلف پدیده تروریسم از منظر رویکرد انتقادی می‌پردازند (Stump & Dixit, 2016). «سیمس میلر» در کتاب «تروریسم و ضد تروریسم: اخلاق و دموکراسی لیبرال» ضمن بررسی جنبه‌های مختلف مفهوم تروریسم نظیر تعریف تروریسم، گونه‌های تروریسم، تروریسم و مسئولیت جمعی، پدیده تروریسم را از منظر جریان اصلی مورد مذاقه قرار می‌دهد (Miller, 2009). «پتر آر. نیومن و ام. ال. آر. اسمیت» در کتاب «استراتژی تروریسم: چگونه کار می‌کند و چرا شکست می‌خورد؟»، پدیده تروریسم را به مثابه یک استراتژی در نظر گرفته و از منظر نظریه استراتژیک بدان می‌پردازند (Neumann & Smith, 2008). «دانیلا پیسویو و ساندرا هین» در کتاب «مقدمه‌ای بر نظریه‌های تروریسم»، پدیده تروریسم را از منظر نظری مورد واکاوی قرار می‌دهند (Pisoiu & Hain, 2018). تمرکز و دغدغه پژوهش حاضر بر علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم قرار دارد که با تمرکز و دغدغه آثار فوق کاملاً تفاوت دارد. تلاش می‌شود تا به واسطه بهره‌گیری از سه نظریه پرمایه، علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم شش ضلعی که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی متوجه مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است مورد بررسی قرار گیرد.

### روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش «گلچین‌گرایی تحلیلی»<sup>۱</sup> است که یک روش‌شناسی جدید می‌باشد که در سال ۲۰۱۰ در کتاب «رودرا سیل و پتر جی. کاتزنشتاین» (Sil & Katzenstein, 2010) معرفی شده است؛ بنابراین در این پژوهش، متغیرها و مفروضه‌های گزینشی سه نظریه (۱) «آدری کرت کرونین»، (۲) «محقق برجسته و دست‌اندرکار متخصص تروریسم در کنفرانس مادرید در مارس ۲۰۰۵» و (۳) «برینیار لیا» که همه در زمره جریان اصلی مطالعات تروریسم قرار دارند، به منظور فهم دقیق‌تر

1. Analytic Eclecticism (AE)

علل و عوامل زمینه‌ساز «تروریسم» به کار گرفته می‌شود. از این رو می‌توان روش‌شناسی این پژوهش را گلچین‌گرایی تحلیلی از میان سه نظریه فوق دانست که بر اساس ماهیت علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم در ده دسته، طبقه‌بندی می‌شوند (جدول‌های ۴ و ۷). لازم به ذکر است که نگارندگان به واسطه تدقیق در منابع مختلف، این سه نظریه که علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم را به صورت نظام‌مند و طبقه‌بندی شده مورد مذاقه قرار داده‌اند، پرمایه‌تر و عمیق‌تر از سایر نظریه‌های موجود دیده و به همین دلیل، در این پژوهش از این سه نظریه پرمایه و عمیق استفاده شده است.

بدیهی است که بدون استفاده از گزاره‌ها و مفروضه‌های هر سه نظریه (مجموعاً ۲۸ گزاره)، نمی‌توان فهم عمیق و پیچیده‌ای از علل و عوامل زمینه‌ساز «تروریسم» به دست آورد. زیرا هر یک از این سه نظریه نمی‌تواند به تنهایی راه‌گشا باشند و استفاده هم‌زمان از هر سه نظریه (به واسطه روش‌شناسی گلچین‌گرایی تحلیلی) می‌تواند ما را به هدف فهم عمیق و پیچیده علل و عوامل زمینه‌ساز «تروریسم» رهنمون سازد. در این راستا، در پژوهش حاضر نیز از روش «گلچین‌گرایی تحلیلی» استفاده شده است، زیرا با استفاده از یک نظریه نمی‌توان تمامی علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم را مورد واکاوی قرار داد؛ بنابراین بهترین روش جهت فهم دقیق‌تر علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم بهره‌گیری از روش «گلچین‌گرایی تحلیلی» از میان سه نظریه که در زمره جریان اصلی مطالعات تروریسم قرار دارند، می‌باشد.

در این بخش لازم است به این پرسش مهم و کلیدی پاسخ داده شود که چرا با استفاده از یک نظریه نمی‌توان تمامی علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم را مورد واکاوی قرار داد؟

به منظور پاسخ به این پرسش لازم است که به یک بحث فلسفی مهم اشاره نمود. با مفروض گرفتن این نکته که اثبات‌گرایی (پوزیتیویسم) و اصطلاحات «تجربه‌گرایی»، «رفتارگرایی»، «طبیعت‌گرایی» و «علم»<sup>۱</sup> اغلب به جای هم به کار می‌روند (Hughes, 1990, p. 16)، می‌توان گفت که در نظریه‌های علمی که دارای رویکرد معرفت‌شناسانه «اثبات‌گرایی (پوزیتیویسم)» هستند و این گونه مفروض می‌گیرند که روابط بین‌الملل (و رشته‌های فرعی آن) مشابه فیزیک، شیمی، نجوم، زیست‌شناسی، زمین‌شناسی و... یک «علم» می‌باشد، هشت معیار جهت انتخاب یک «نظریه» وجود دارد. این هشت معیار «سازگاری درونی»، «انسجام»، «سادگی»، «تأییدپذیری/دامنه»، «ابطال‌پذیری»، «انضمامی بودن»، «زایا [و بارور] بودن» و «محافظه‌کاری روش‌شناختی»<sup>۲</sup> می‌باشند (Chernoff,

1. Empiricism, Behaviorism, Naturalism, Science

2. Internal consistency; Coherence; Simplicity; Corroboration/Range; Falsifiability; Concrete-

85, p. 2007). معیار «سادگی» مستلزم آن است که یک نظریه برتر، در مقایسه با [نظریه‌های] رقیب خود، دارای قوانین کمتری<sup>۱</sup> باشد یا واجد قوانینی باشد که موجودیت‌ها یا سازوکارهای علی کمتر<sup>۲</sup> که از پیچیدگی کمتری برخوردار هستند را مفروض بگیرد (Chernoff, 2007, p. 86). اگرچه پسااختارگرایی و نظریه انتقادی (مکتب فرانکفورت) معیار «سادگی» را قبول ندارند، لکن معیار «سادگی» در نظریه‌های «اثبات‌گرا (پوزیتیویست)» موجب شده است که در این دسته از نظریه‌ها، اصل «صرفه‌جویی»<sup>۳</sup> حاکم گردد. بر اساس اصل «صرفه‌جویی» که از معیار «سادگی» نشأت گرفته است، یک نظریه باید بتواند با کمترین مفروضه‌های ممکن<sup>۴</sup>، یک رویداد یا پدیده را تبیین<sup>۵</sup> کند. بر همین اساس، نظریه‌های «اثبات‌گرا (پوزیتیویست)» دارای کمترین مفروضه‌ها هستند که موجب می‌شود یک «نظریه» تنها قادر باشد طیفی از پدیده‌ها و وقایع را تحلیل و تبیین نماید و از عهده توضیح و تبیین همه پدیده‌ها و وقایع بر نیاید. این گونه است که «کنت ام. والتز» به‌عنوان یک محقق اثبات‌گرا (پوزیتیویست) در کتاب معروف خود با عنوان «نظریه سیاست بین‌الملل» عنوان می‌دارد که «نظریه [صرفاً] بخشی از واقعیت را توضیح می‌دهد [و تبیین می‌کند]»<sup>۶</sup> (Waltz, 1979, p. 7)؛ بنابراین می‌توان گفت که در جریان اصلی مطالعات تروریسم که دارای رویکرد معرفت‌شناختی اثبات‌گرایانه می‌باشد، نیز اصل «صرفه‌جویی» حاکم است و بر همین اساس، هر یک از نظریه‌های موجود در جریان اصلی مطالعات تروریسم، صرفاً بخشی از واقعیت را توضیح می‌دهند و در نتیجه با استفاده از یک نظریه نمی‌توان تمامی واقعیت یعنی تمامی علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم را مورد واکاوی قرار داد. در نتیجه، بهترین روش جهت فهم دقیق‌تر علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم بهره‌گیری از روش «گلچین‌گرایی تحلیلی» از میان سه نظریه که در زمره جریان اصلی مطالعات تروریسم قرار دارند، می‌باشد تا بتوان تمامی واقعیت را توضیح داد و تبیین نمود. پس از ذکر این توضیحات و با عنایت به نوین بودن روش «گلچین‌گرایی تحلیلی»، اکنون لازم است که توضیحاتی را در رابطه با این نوع از روش‌شناسی ارائه داد.

ness; Fecundity; Methodological conservatism

1. fewer laws
2. fewer entities or causal mechanisms
3. parsimony
4. fewest possible assumptions
5. explanation
6. Theory explains some part of reality

از منظر «سیل و کاتزنشتاین»، گلچین‌گرایی تحلیلی اساساً یک تلاش جبرانی [یا تعدیل‌کننده] به‌منظور غلبه بر محدودیت‌های ذاتی در پژوهش‌های پارادایم‌محور در روابط بین‌الملل<sup>۱</sup> است. تحقیق گلچین‌گرا به‌منظور برجسته کردن نقاط اشتراک حقیقی و ارتباط عملی نظریه‌هایی که در اصل مربوط به پارادایم‌های جداگانه هستند، طراحی شده است (Sil & Katzenstein, 2010, pp. 35-36).

«جفری تی. چکل»، «گلچین‌گرایی» را تلاشی آشکار در جهت بهره‌گیری از بینش‌ها و متغیرهای دو یا چند رویکرد نظری به‌منظور درک بهتر یک مسأله [موجود در] جهان واقع<sup>۲</sup> تعریف می‌کند. عبارت «بهره‌گیری از بینش‌ها» [در تعریف فوق] به‌معنای وام گرفتن متغیرهای تبیین‌گر<sup>۳</sup> از رویکردهای نظری مختلف و جمع کردن آنها در یک تبیین یک‌پارچه<sup>۴</sup> می‌باشد. معنای عبارت «درک بهتر» [در تعریف فوق]، به‌تصویر کشیدن مقدار بیش‌تری از پیچیدگی تحلیلی/علی [موجود] در یک معما یا مسئله معین<sup>۵</sup> نسبت به زمانی است که صرفاً از یک نظریه استفاده می‌شود (Checkel, 2013, p. 224). در پژوهش حاضر نیز از روش «گلچین‌گرایی تحلیلی» استفاده شده است تا مفهوم «تروریسم» به‌صورت دقیق‌تری فهم شود. زیرا با استفاده از یک نظریه نمی‌توان تمامی علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم را مورد واکاوی قرار داد؛ بنابراین بهترین روش جهت فهم دقیق‌تر علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم بهره‌گیری از روش «گلچین‌گرایی تحلیلی» از میان سه نظریه که در زمره جریان اصلی مطالعات تروریسم قرار دارند، می‌باشد. پس از ذکر اجزای اصلی سه نظریه (۱) «آدری کرت کرونین»، (۲) «۲۰۰۵ محقق برجسته و دست‌اندرکار متخصص تروریسم در کنفرانس مادرید در مارس ۲۰۰۵» و (۳) «برینیار لیا»، در جدول شماره چهار، گزاره‌ها، مفروضه‌ها و متغیرهای تبیین‌گری که از سه نظریه فوق وام گرفته شده‌اند، توضیح داده می‌شود (مجموعاً ۲۸ گزاره).

1. paradigm-bound research in international relations
2. an explicit effort to utilize insights and variables from two or more theoretical approaches to make better sense of a real-world problem
3. explanatory variables
4. single explanation
5. analytic/causal complexity at work in a given puzzle or problem

در این بخش چارچوب نظری پژوهش حاضر مورد تدقیق قرار می‌گیرد. در بخش اول به توضیح جریان اصلی مطالعات تروریسم پرداخته می‌شود. در بخش دوم، علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم از منظر سه منبع جریان اصلی یعنی «آدری کرت کرونین»، «۲۰۰» محقق برجسته و دست‌اندرکار متخصص تروریسم در کنفرانس مادرید در مارس ۲۰۰۵ و «برین یار لیا» مورد تدقیق قرار می‌گیرند. در بخش سوم، نگارندگان نسبت به گلچین نمودن گزاره‌ها، مفروضه‌ها و متغیرهای تبیین‌گری که جهت تحقق هدف پژوهش و پاسخ‌گویی به پرسش اصلی پژوهش نیاز دارند، با استفاده از روش‌شناسی «گلچین‌گرایی تحلیلی» اقدام می‌کنند (جدول ۴) و در بخش بعدی، ده تعریف مختلف از مفهوم تروریسم بررسی خواهد شد و به این نکته پرداخته می‌شود که در هر یک از تعاریف ارائه شده از مفهوم «تروریسم» بر کدام‌یک از علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم تأکید شده است.

### ۱- جریان اصلی مطالعات تروریسم

در رابطه با جریان اصلی مطالعات تروریسم باید عنوان نمود که در مطالعات تروریسم<sup>۱</sup> معمولاً از دو جریان نام برده می‌شود: جریان اصلی و جریان انتقادی. جریان اصلی مطالعات تروریسم<sup>۲</sup> که جریان بزرگ‌تر و غالب می‌باشد و توسط منتقد اصلی خود (مطالعات انتقادی تروریسم)، مطالعات راست‌کیشانه تروریسم<sup>۳</sup> نیز نامیده می‌شود، نظیر جریان اصلی در روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی دارای سه وجه بارز می‌باشد: ۱- رویکرد معرفت‌شناختی اثبات‌گرایانه (پوزیتیویستی) و ۲- دولت محوری ۳- اتخاذ رویکردهای حل مشکل<sup>۴</sup>. «هرین» معتقد است که جریان اصلی مطالعات تروریسم در دل سنت‌های رئالیستی و لیبرالیستی سیاست جهانی<sup>۵</sup> قرار دارد (Herring, 2008, p. 198). لازم به ذکر است که هر سه نظریه «آدری کرت کرونین»، «۲۰۰» محقق برجسته و دست‌اندرکار متخصص تروریسم در کنفرانس مادرید در مارس ۲۰۰۵ و «برین یار لیا» در زمره جریان اصلی مطالعات تروریسم قرار دارند.

1. Terrorism Studies (TS)
2. mainstream terrorism studies
3. orthodox terrorism studies
4. problem-solving
5. realist and liberal traditions of world politics

## ۲- علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم

محققان، علل یا به طور دقیق‌تر «علل ریشه‌ای»<sup>۱</sup> فراوانی را برای تروریسم ذکر نموده‌اند. می‌توان ادعا نمود همان‌گونه که در مورد تعریف تروریسم دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد، در مورد علل ریشه‌های تروریسم نیز تکثر و تنوع نظری فراوانی به چشم می‌خورد. در مبحث پیشرو تلاش گردیده تا علل ریشه‌های تروریسم به نقل از سه منبع مختلف که علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم را به صورت نظام‌مند و طبقه‌بندی شده مورد مذاقه قرار داده‌اند، نقل گردد.

### ۲-۱- منابع تروریسم از منظر آدری کی. کرونن

«آدری کرت کرونن» از عنوان منابع تروریسم<sup>۲</sup> جهت اشاره به علل تروریسم<sup>۳</sup> استفاده می‌نماید. «کرونن» منابع تروریسم را در چهار سطح تحلیل «نقش فردی»، «نقش گروه یا سازمان»، «نقش دولت» و «نقش نظام بین‌الملل» دسته‌بندی می‌کند.

۱) در سطح تحلیل اول، عواملی که بر فرد تروریست و رفتار او تأثیر می‌گذارد مورد توجه قرار می‌گیرد. رفتار فردی تروریست‌ها از اواسط قرن بیستم در ارتباط مستقیم با رشد علم رفتاری و روش‌های آن در ایالات متحده با شدت و حدت مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. تحلیل در سطح فردی از منابع تروریسم<sup>۴</sup> موجب ایجاد پرسش‌هایی می‌شود که با حوزه‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی و علوم سیاسی دارای فصل مشترک است. چهار حوزه عمده مطالعات تروریسم به دلیل دارا بودن مقاصد عملی، دل‌مشغولی فراوانی به سطح اول دارند: مطالعه روان‌شناسانه افراد تروریست، مطالعه «دورنمای» تروریست‌ها (و تروریست‌های آتی)<sup>۵</sup>، مطالعه شرایطی که افراد را تشویق می‌کند یا قادر می‌سازد که به تروریسم متوسل شوند و بررسی مشخصه‌های متمایز رهبران تروریست‌ها و پیروان آنها؛

۲) در سطح تحلیل دوم، توجه ویژه‌ای به پویایی‌های گروه یا سازمان [تروریستی]<sup>۶</sup> در راستای فهم علل تروریسم مبذول می‌گردد. اغلب تحقیقات انجام شده در چند دهه گذشته به این نتیجه رسیده

1. root causes
2. Sources of Terrorism
3. causes of terrorism
4. an individual-level analysis of the sources of terrorism
5. studies of the "profiles" of terrorists (and future terrorists)
6. dynamics of the group or organization

که تروریسم اساساً یک فعالیت گروهی است که بدون اشاره به مفاهیمی نظیر تعهد ایدئولوژیک مشترک و هویت گروهی قابل درک نیست.

جدول ۱: گلچینی از علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم توسط «آدری کرون» (Cronin, 2004, pp. 34-47)

منابع تروریسم (sources of terrorism) یا علل تروریسم (causes of terrorism) منظر آدری کرون (Cronin)	
سطح اول: نقش فردی	یک دیدگاه، منبع رفتار تروریستی را ناشی از ناتوانی بالقوه تروریست‌ها در عادی رفتار کردن می‌بیند. تصمیم تروریست‌ها به انجام اقدامات شنیع به دلیل اختلالات شخصیتی نظیر خودشیفتگی یا همه‌دشمن‌پنداری، کمبودهای روحی یا رفتارهای تکانشی (narcissism or paranoia, mental deficiencies, or impulsive behavior) می‌باشد.
سطح دوم: نقش گروه یا سازمان	برخی دیگر تروریسم را نشأت گرفته از خودبزرگ‌بینی (self-aggrandizement) و تکریم رهبران یا ممانعت از رشد روانی پیروان می‌دانند.  از آنجا که اغلب افراد تروریست، ظاهراً از لحاظ روانی عادی (یا نرمال) هستند هویت گروه تروریستی، پیوند مهمی در توجیه خشونت علیه غیرنظامیان بی‌گناه، گسترش اشتباه در میان اعضای گروه و تنزل انسانیت دشمن (یک گروه تروریستی) (به‌ویژه قربانیان آتی) ایجاد می‌نماید.  نظام اعتقادی در یک سازمان یا گروه تروریستی می‌تواند ارتباط اندکی با یک واقعیت به‌صورت وسیع‌تر ادراک‌شده (a more broadly perceived reality) داشته باشد؛ با این وجود این ارتباط اندک می‌تواند به‌واسطه پویایی‌های فشار برابر، تلقین فکری (indoctrination)، تقویت متقابل و شناسایی گروه در میان اعضا تقویت شده و تداوم یابد. افراد عضو یک گروه تروریستی خود را به‌عنوان بخشی از یک هدف بزرگ‌تر می‌بینند که همین موضوع موجب عقلانی فرض کردن اقداماتی می‌گردد که در غیر این‌صورت آن اعضا احتمالاً آنها را انجام نمی‌دادند.  [بررسی] ارتباط فرد با یک گروه تروریستی اغلب به‌منظور درک پیدایش طرح‌های تروریستی فردی و همچنین تداوم طولانی‌مدت تهدید، حیاتی است. بنابراین، ما باید رمز این ساختار اعتقادی را به‌منظور فهم منابع تروریسم بشکنیم
سطح سوم: نقش دولت	در گذشته، سازمان‌های تروریستی عموماً سلول‌های مخفی بسته (closed, clandestine cells) با ساختار رهبری سلسله‌مراتبی و تماس منظم بین اعضا بودند. در نتیجه، اغلب تحقیقات انجام‌شده در مورد سازمان‌های تروریستی، بر روی فهم پویایی روابط میان اعضای یک گروه تروریستی به‌عنوان شیوه ارزیابی انگیزه‌های پشت حملات تروریستی، آسیب‌پذیری سلسله‌مراتب، ضعف در ساختار سازمانی و نظایر آن تمرکز می‌نمودند. سازمان‌های تروریستی جدید نظیر القاعده به‌طور فزاینده‌ای در حال پذیرش یک ساختار سلولی غیر سلسله‌مراتبی بدون مرکزیت (a decentralized, nonhierarchical cell structure) هستند که با فناوری‌هایی مانند اینترنت و تلفن‌های ماهواره‌ای به‌هم متصل شده و یک ایدئولوژی یا مذهب مشترک الهام می‌گیرند. ساختارهای جدید کمتر وابسته به پویایی‌های داخلی سازمان هستند  از آنجا که اکثر منابع شامل تسلیحات، پول و افراد و همچنین قوی‌ترین انگیزه‌های پایدار به‌منظور استفاده از تروریسم به‌عنوان ابزاری برای حمله به دولت‌های قوی‌تر در اختیار دولت‌ها قرار دارد، بنابراین در نظام بین‌الملل، دولت‌ها خطرناک‌ترین عاملان (یا بانیان) تروریسم (most dangerous perpetrators of terrorism) هستند. درک نقش دولت به‌منظور فهم منابع تروریسم بین‌الملل بسیار مهم است  یک منبع مهم تروریسم، فروپاشی داخلی برخی از دولت‌ها می‌باشد؛ مشکل در اینجا «دولت‌های یاغی (rogue states)» نیستند، بلکه «دولت‌های ورشکسته (failed states)» هستند



## سطح چهارم:

نقش نظام  
بین الملل

نظام بین الملل بسیاری از انگیزه‌های سیاسی آشنا نظیر ایدئولوژی‌های افراط‌گرا (به عنوان نمونه مارکسیسم که الهام بخش گروه‌های چپ‌گرا نظیر ارتش سرخ (RAF) و سندرو لومینوسو (Sendero Luminoso) است، نقطه نظرات متفاوت در مورد مقامات و آرایش دولتی (به عنوان نمونه فاشیسم که الهام بخش گروه‌های راست‌گرای نئونازی، ملت آریایی و پیروان جنبش هویت مسیحی می‌باشد) و مناقشه بر سر کنترل قلمرو (به عنوان نمونه ملی‌گرایی که نیرو محرکه گروه‌های قومی ملی‌گرا/جدایی طلب نظیر ببرهای تاملیل یا ارتش جمهوری خواه ایرلند (IRA) گردیده است)، موجب ایجاد تروریسم می‌شود که مرزهای دولتی را به چالش می‌کشد.

تروریسم واکنشی به نیروهای بین المللی جهانی شدن (Globalization) می‌باشد. در این دیدگاه، جهانی شدن در قالب‌هایی نظیر غربی شدن (Westernization)، سکولاریزاسیون، دموکراتیزه شدن، مصرف‌گرایی و رشد سرمایه‌داری مبتنی بر بازار (consumerism and the growth of market capitalism)، یک چالش برای فرهنگ‌های محافظه کارانه است که در برابر تغییراتی که این نیروها با خود به همراه دارند - یا حداقل در برابر اغتشاشات و نابرابری‌هایی که ناگزیر با آنها می‌آید - مقاومت می‌کنند.

تروریسم بین الملل معاصر واکنشی به جهانی شدن می‌باشد - همراه با اهداف جدید که به عنوان برآیند تسهیل کننده جهانی شدن تعریف می‌گردد و همراه با شیوه‌های جدید هماهنگی و انجام حملات می‌باشد. به عبارت دیگر، هم هدف و هم ابزار تروریسم بین الملل به نحو قابل توجهی تحت تأثیر این پدیده در سطح نظام [یا سیستمیک] قرار دارند. این ابزار شامل استفاده از فناوری‌های جدید، حرکت بی‌سابقه گروه‌های تروریستی در سراسر مرزهای بین المللی و تغییر در منابع پشتیبانی از تروریسم از عمدتاً جمعیت بومی به حمایت کنندگان بین المللی وسیع تر می‌باشد.

۳- سطح تحلیل سوم، سطح غالب تحلیل در محافل سیاست خارجی است. بسیاری از ناظران و سیاست‌گذاران بر نقش دولت در تداوم و یا حمایت از اقدامات تروریستی فراملی تمرکز می‌کنند. فرض کلی آن است که خواه این اقدامات بلافاصله آشکار شوند یا خواه آشکار نشوند، پشتیبانی دولت حامی معمولاً به منظور اجرای حملات تروریستی مهم و مخرب در سطح بین الملل ضروری است؛

۴- سطح تحلیل چهارم، دشوارترین سطح تحلیل بلکه از دامنه دارترین فرضیه‌های اخیر که توسط متخصصان روابط بین الملل و دانشمندان علوم سیاسی مطرح گردیده می‌باشد که بر نقش نظام بین الملل در علل تروریسم قرن بیست و یکمی تأکید می‌نماید (Cronin, 2004, pp. 44-47). در جدول ۱، منابع تروریسم یا همان علل و عوامل زمینه ساز تروریسم در چهار سطح تحلیل شامل «نقش فردی»، «نقش گروه یا سازمان»، «نقش دولت» و «نقش نظام بین الملل» به نقل از «آدری کرت کرونن» دسته‌بندی شده است.

## ۲-۲- علل ریشه‌ای تروریسم از منظر ۲۰۰ محقق و دست‌اندر کار حوزه تروریسم در کنفرانس

## مادرید

در مارس ۲۰۰۵، بیش از ۲۰۰ محقق برجسته و دست‌اندر کار متخصص<sup>۱</sup>، در یک کنفرانس در شهر مادرید، علل و عوامل زمینه ساز تروریسم را مورد بحث قرار دادند. آنها علل ریشه‌ای تروریسم<sup>۲</sup> را در بیش از ۱۲ کارگاه آموزشی مورد بحث قرار دادند و به عوامل پنج گانه «روان‌شناختی»، «سیاسی»، «اقتصادی»، «مذهبی» و «فرهنگی» که به صورت بالقوه مسئول پیدایش تروریسم هستند، پرداختند. در

1. expert practitioners
2. root causes of terrorism



جدول ۲، گزیده‌ای از علل و عوامل پنج گانه زمینه‌ساز تروریسم به نقل از ۲۰۰ محقق شرکت کننده در «کنفرانس مادرید» در مارس ۲۰۰۵ ذکر شده است.

جدول ۲: گلچینی از علل و عوامل پنج گانه زمینه‌ساز تروریسم به نقل از ۲۰۰ محقق شرکت کننده در

«کنفرانس مادرید» (Schmid, 2011, pp. 272-274)

<b>علل ریشه‌ای تروریسم (root causes of terrorism) از منظر ۲۰۰ محقق و دست‌اندرکار حوزه تروریسم در کنفرانس مادرید (مارس ۲۰۰۵)</b>	
<b>عوامل روان‌شناختی</b>	<p>تعدادی از انگیزه‌های فردی (individual motives) وجود دارد: از نظر برخی، تروریسم به افراد بدون قدرت احساس قدرت می‌دهد؛ از منظر برخی دیگر، انتقام (revenge) انگیزه اصلی تروریست‌ها است؛ از منظر دسته‌ای دیگر، تروریسم حس مهم بودن به تروریست‌ها می‌بخشد.</p> <p>رهبر نقش مهمی در معرفی دشمن خارجی به‌عنوان یک علت [زمینه‌ساز تروریسم] دارد. او افراد بیگانه و سرخورده [یا ناامید] را جمع می‌کند که در صورت عدم وجود رهبر، جدا باقی می‌ماندند.</p> <p>یک رهبر بنیادگرایی مذهبی می‌تواند از اقتدار خود به‌منظور تفسیر کتب مقدس مذهبی استفاده کند تا اقدامات افراطی خشونت‌آمیز را توجیه نماید.</p> <p>حضور رهبران ایدئولوژیک کاریزماتیک که قادر به تبدیل سرخوردگی [یا ناامیدی] و نارضایتی گسترده به یک دستور کار سیاسی برای کشمکش‌های خشونت‌آمیز هستند، عامل مهمی در ظهور جنبش‌های تروریستی می‌باشد.</p> <p>بسیاری از مهاجران و پناهندگان مسلمان در آوارگی، از یک احساس وجودی خسران (an existential sense of loss)، محرومیت و بیگانگی از کشورهایی که در آن زندگی می‌کنند، رنج می‌برند. ایدئولوژیهای افراط‌گرایانه می‌تواند بعضی از آنها را افراط‌گرا نموده و می‌تواند ورود مجدد به مسیر تروریسم را تسهیل کند.</p>
	<p>تروریسم ریشه در نارضایتی سیاسی (political discontent) دارد</p> <p>فرآیندهای سرایت (contagion processes) ممکن است با عبور از سطح ملی عمل نموده و به‌واسطه شرایط مختلف، موجب گسترش [و شیوع] تروریسم از نقطه شکل‌گیری اولیه شوند</p> <p>سرخوردگی (disillusionment) در مورد امکان ایجاد تغییر از طریق اقدامات غیر خشونت‌آمیز یا از طریق اقدامات خشونت‌آمیز به غیر از تروریسم (مثلاً جنگ چریکی) به انتخاب تروریسم کمک می‌نماید</p> <p>سیاست‌های به‌شدت ستیزه‌جویانه و جوامع تقسیم شده (divided societies) [از نظر سیاسی]، احتمالاً با خطر بیشتر تروریسم روبه‌رو هستند</p> <p>ملی‌گرایی (nationalism) مجدداً به‌عنوان یک علت تروریسم ظاهر شده است</p> <p>برخی از گروه‌های ستیزه‌جو تاکتیک‌های تروریستی را با این هدف انتخاب می‌کنند که دولت‌ها سرکوب را افزایش دهند تا منجر به تغییر حمایت عمومی از دولت به‌سمت نهضت تروریست‌ها گردد</p> <p>جهانی‌شدن (globalization)، گسترش تروریسم را تسهیل می‌کند، اما یک علت مستقیم (a direct cause) [تروریسم] نیست. روند جهانی‌شدن، انگیزه‌ها و فرصت‌ها برای تروریسم را به‌نحو گسترده‌ای افزایش داده و سازمان‌دهی، تأمین مالی و تقویت استراتژی‌های تروریستی را آسان‌تر می‌کند. جهانی‌شدن فرصت‌های گروه‌های ستیزه‌جو و تروریست را افزایش می‌دهد</p> <p>ظهور عدم مدارا [و عدم تساهل] (intolerance)، به ویژه در جناح راست، می‌تواند جنبش‌های تروریستی جدیدی را حداقل در اروپا ایجاد کند</p> <p>یک رخداد خصومت‌آمیز خاص که حس انتقام تروریست‌ها را برانگیزد، می‌تواند موج حملات تروریستی را به دنبال داشته باشد. اقدامات تحریک‌آمیز دولت می‌تواند موجب یک واکنش شدید شود که تروریسم را تسریع می‌کند</p>
<b>عوامل سیاسی</b>	

عوامل اقتصادی	<p>تروریسم به احتمال زیاد در جوامعی که به سرعت نوسازی [یا مدرنیزه‌سازی] می‌گردند، ظاهر می‌شود</p> <p>افزایش در اندازه جمعیت جوان مرد مواجه با دورنمای اشتغال ناامن، یک عامل خطر فراگیر در جوامع در حال توسعه می‌باشد. وضعیت تحصیلی نسبتاً پایین و مشارکت سیاسی پایین زنان با سطوح بالاتری از خشونت و بی‌ثباتی سیاسی همراه است. تحصیل بدون فرصت استخدام یک ترکیب انفجاری (an explosive combination) است.</p> <p>نابرابری ساختاریافته (structured inequalities) در درون کشورها، مستمسکی برای جنبش‌های سیاسی خشونت‌آمیز به‌طور عام و تروریسم به‌طور خاص ایجاد می‌نماید.</p> <p>جنبش‌های تروریستی ملی‌گرایانه-قومی و انقلابی معمولاً در بستری با منازعات سیاسی بزرگ پدیدار می‌شوند و بر نارضایتی گروه‌هایی متمرکز می‌شوند که خود را از نظر اقتصادی یا سیاسی به‌حاشیه رانده شده می‌بینند.</p> <p>موفقیت دولت در ترویج وسایل رفاهی، احتمالاً از دامن زدن به تروریسم توسط گروه‌هایی که همچنان مصالحه را رد می‌کنند و همچنین توسط احزاب جدا شده از گروه‌هایی که گفت‌وگو را می‌پذیرند، می‌کاهد.</p> <p>جوامع دور از وطن (Diasporas) می‌توانند موجب ترویج تاکتیک‌های تروریستی گردند، به‌ویژه هنگامی که آن‌ها می‌بینند که اقدامات غیر سیاسی خشونت‌آمیز در کاهش بی‌عدالتی‌ها اثری ندارد.</p> <p>افزایش نابرابری می‌تواند منجر به اقدامات تروریستی توسط تروریست‌ها به‌نام توزیع عادلانه‌تر ثروت (a more equitable distribution of wealth) شود.</p>
عوامل مذهبی	<p>نارضایتی‌های سیاسی و اقتصادی (political and economic grievances) علل یا کاتالیزورهای اولیه [تروریسم] هستند و مذهب ابزاری برای مشروعیت‌بخشی و بسیج (mobilize) [جامعه] می‌باشد. اگرچه مذهب نمی‌تواند تنها عامل تروریسم باشد، لکن مذهب می‌تواند موجب تحریک و برانگیختن وضعیت گردد.</p>
عوامل فرهنگی	<p>فرهنگ بیگانگی و تحقیر (a culture of alienation and humiliation) می‌تواند به‌عنوان نوعی از محیط رشد عمل نماید که در آن فرآیند افراط‌گرایی شکل می‌گیرد و افراط‌گرایی مخرب (virulent extremism) پیشرفت می‌کند.</p> <p>روایت‌ها و خاطره‌های تاریخی (narratives and historical memories) می‌توانند [بهبود] آن‌چه که تروریست‌ها [آن‌را] «تنها علت» مشغول شدن به خشونت می‌دانند را به آن‌ها بدهد.</p> <p>منازعات محلی و همچنین منازعات فرهنگی گسترده‌تر بین گروه‌های مذهبی و حتی بین قبایل و عشیره‌ها، مرحله آغازین عضوگیری گروه‌های تروریستی می‌باشد.</p> <p>جنبش جهادی جهان‌گستر از «فرهنگ‌زدایی» (deculturation) پدیدار شده است. این موضوع تجلی یک فرهنگ مشخص در محاصره نیست، بلکه انعکاس جهانی‌شدن و ریشه‌کن کردن فرهنگ می‌باشد.</p>

## ۲-۳- علل ریشه‌ای تروریسم از منظر برینیار لیا

«برینیار لیا»<sup>۱</sup> نیز به تبیین‌های روانی و اجتماعی و تبیین‌های مرتبط با نظام بین‌الملل از تروریسم اشاره می‌نماید. «لیا» در توضیح علل تروریسم به سه دسته از تبیین‌ها شامل «تبیین‌های روان‌شناختی تروریسم»<sup>۲</sup>، «تبیین‌های اجتماعی تروریسم»<sup>۳</sup> و «تبیین‌های مرتبط با نظام بین‌الملل»<sup>۴</sup> اشاره می‌نماید. «لیا» معتقد

1. Brynjar Lia
2. psychological explanations of terrorism
3. societal explanations of terrorism
4. explanations linked to the international system

است که هنگام تحلیل علل تروریسم، با سطوح مختلفی از تبیین مواجه می‌گردیم. تبیین‌های در سطوح فردی و گروهی، روان‌شناختی یا اغلب اوقات سرشت اجتماعی - روانی<sup>۱</sup> وجود دارد، از جمله آنهایی که این موضوع را که چرا افراد به یک گروه تروریستی می‌پیوندند و چرا گروه‌های تروریستی به توسل به خشونت ادامه می‌دهند را مورد توجه قرار می‌دهند. تبیین‌های در سطح اجتماعی یا ملی در وهله اول تلاش دارند تا همبستگی‌های غیرجعلی<sup>۲</sup> میان برخی از مشخصه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی سیاسی خاص جامعه بزرگتر و وقوع تروریسم را مورد شناخت قرار دهند. به‌عنوان مثال، تأثیر نوسازی [یا مدرنیزاسیون]، دموکراتیزه شدن، نابرابری اقتصادی و غیره بر زوال تروریسم در این دسته‌بندی قرار می‌گیرند. تبیین‌های در سطح بین‌المللی یا نظام جهانی به دنبال ایجاد روابط علی میان ویژگی‌های نظام دولت‌محور بین‌الملل و روابط بین کشورها از یک سو و وقوع تروریسم بین‌المللی از سوی دیگر است (Lia, 2011, p. 276). در جدول ۳، گزیده‌ای از «تبیین‌های روان‌شناختی تروریسم»، «تبیین‌های اجتماعی تروریسم» و «تبیین‌های مرتبط با نظام بین‌الملل» اشاره شده است.

1. sociopsychological character
2. non-spurious correlations

جدول ۳: گلچینی از علل و عوامل سه گانه زمینه ساز تروریسم از منظر «برینیارلیا» (Lia, 2011, pp. 276-279)

<p>علل تروریسم (causes of terrorism) یا تبیین های تروریسم (explanations of terrorism) از منظر «برینیارلیا» (Brynjar Lia)</p>	
آنچه که موجب ظهور تروریسم می شود می تواند با آن چه که تروریسم را در گذر زمان دائمی می سازد، متفاوت باشد.	<p>تبیین های روان شناختی تروریسم</p> <p>psychological explanations of terrorism (nations of terrorism)</p>
هر چه نابرابری سیاسی گروه های اقلیت (political inequality of minority groups) در یک کشور بیشتر باشد، احتمال آن که آن کشور با تروریسم مواجه گردد بالاتر می رود.	
تروریسم به احتمال زیاد در شرایطی که سطح بالایی از «فاصله اجتماعی» یا «قطبش اجتماعی» ('high levels of 'social distance' or 'social polarization') بین عاملان [یا بانیان] و قربانیان، از جمله درجه بالایی از فاصله فرهنگی و ارتباطی، نابرابری و استقلال کارکردی (functional independence) وجود دارد، رخ می دهد.	
بمب گذاری انتحاری یکی از نتایج نفرت از تمایلات جنسی (sexual impulses) می باشد.	
خشونت سیاسی و خشونت جنایی انگیزه مند (-political and criminally motivated violence)، عمدتاً کار مردان جوان مجرد (work of young unmarried men) می باشد.	
ناکامی در بسیج حمایت مردمی از یک برنامه سیاسی رادیکال می تواند آغازگر تصمیم تروریست ها در به کارگیری تروریسم به منظور مهندسی یک مواجهه خشونت آمیز با مقامات باشد.	
افول ناگهانی ستاره اقبال یک سازمان مخالف می تواند موجب تأسیس یک سازمان زیرزمینی برای اقدام [تروریستی] به منظور نشان دادن قدرت و پتانسیل آن سازمان زیرزمینی گردد.	
اعضای رادیکال گروه های ائتلافی می توانند از سرگیری و حتی تشدید خصومت ها با هدف جلوگیری از مصالحه میان احزاب معتدل از هر دو جناح و از بین بردن اعتماد دولت به مذاکرات پیش رو را انتخاب نمایند.	
امواج دوره ای تروریسم ممکن است بخشی به دلیل تمایل تروریست ها به منظور تضمین «ارزش خبری داشتن» (newsworthiness) و در نتیجه دسترسی رسانه ای باشد.	
عملیات های موفقیت آمیز [تروریستی] در یک کشور کپی برداری از گروه های دیگر می باشد.	

نوسازی [یا مدرنیزاسیون] به واسطه ایجاد جامعه‌ای که در آن افراد خود را با قید و بندهای اجتماعی، بیگانه می‌یابند و بدون هرگونه نفوذ و ساختار سازمانی قابل قبول، سرخوردگی [ایجاد شده] را در راستای فعالیت‌های تروریستی بسیج می‌کند، تأثیراتی از هم پاشنده [یا انحلالی] (dissolutional effects) بر هنجارها و ساختارهای اجتماعی موجود دارد.	تبیین‌های اجتماعی تروریسم societal explanations (of terrorism)
نوسازی [یا مدرنیزاسیون] سریع اقتصادی که برحسب رشد تولید ناخالص داخلی واقعی اندازه‌گیری می‌شود، تأثیری قوی و قابل توجه بر سطوح ایدئولوژیک تروریسم در اروپای غربی دارد.	
بین محرومیت سیاسی گروه‌ها و سطح تروریسم علیه دولت ارتباط مثبتی وجود دارد، در حالی که اقدامات اقتصادی بر محرومیت متوسط افراد در یک کشور، اثر کمی دارد. هر گونه ارتباط بین فقر، آموزش و تروریسم غیرمستقیم، پیچیده و احتمالاً بسیار ضعیف می‌باشد. تعداد عددی گروه‌های تروریستی و شورش‌ها در کشورهایی که فقر شدید دارند سرسام‌آور می‌باشد.	
امروزه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، پس از شروع فرآیند گذار به دموکراسی بازار، جامعه عرصه تاخت و تاز خشونت‌های قومی و تروریسم قرار می‌گیرد.	
کشورهای نیمه اقتدارگرا یا نیمه دموکراتیک (semi-authoritarian or semi-democratic countries) حتی بدون فرآیند در حال پیشرفت دموکراتیک شدن نیز بالاترین خطر تجربه منازعات خشونت‌آمیز و تروریسم را دارند.	
محتمل است که دموکراسی‌های شکست خورده که به دولت‌های اقتدارگرای مستحکم (consolidated authoritarian states) تبدیل نمی‌شوند، میزان قابل ملاحظه‌ای از تروریسم را تجربه نمایند.	
دولت‌های قدرت‌مند که قابلیت سرکوب گروه‌های تروریستی و شورش‌ها در خاک خود را دارا می‌باشند، ممکن است در معرض خطر تبدیل آن گروه‌های تروریستی و شورش‌ها به سازمان‌های تروریستی فراملی قرار گیرند که به اهدافی در خارج از کشور حمله می‌کنند.	تبیین‌های مرتبط با نظام بین‌الملل explanations linked to the international (system)
بین تنوع قومی و تروریسم قومی در اروپای غربی (ethnic diversity and ethnic terrorism in Western Europe) رابطه‌ای قوی وجود دارد.	
تروریسم مدرن به این دلیل اتفاق می‌افتد که شرایط مدرن، روش‌های تروریستی را به‌شدت آسان کرده است.	
رسانه‌های جمعی مدرن (modern mass media) به‌خودی خود علت تروریسم نیستند، لکن تأثیرات قابل توجهی بر الگوهای تروریسم، زمانی که پدیدار می‌شود، دارند. تغییرات مهم در تروریسم با ظهور و گسترش فناوری‌های رسانه‌ای جدید مصادف شده است.	
دولت‌ها به‌واسطه وارد شدن در جنگ‌های نیابتی و از طریق حمایت آشکار یا ضمنی از شورشیان و سازمان‌های تروریستی اقدام‌کننده علیه دولت(های) خارجی، تروریسم بین‌الملل را تسهیل می‌نمایند.	
افول [یا شکست] جدی سیاست خارجی، تمایل به استفاده از تروریسم تحت حمایت دولت توسط رژیم‌های اقتدارگرا را افزایش می‌دهد.	
موج معاصر تروریسم اسلام‌گرا به‌جای آن که یک واکنش شدید مذهبی علیه تجدد [یا مدرنیته] (modernity) باشد، باید به‌عنوان یک شورش ضد استعماری (anti-colonial insurgency) در نظر گرفته شود.	
مشارکت در جنگ، روابط اجتماعی و سیاسی را در یک کشور تشدید می‌کند که به‌نوبه خود رادیکال شدن سیاست و ظهور گروه‌های خشونت‌آمیز سیاسی را تقویت می‌نماید. کشورهای درگیر در جنگ احتمالاً سطوح بالاتری از تروریسم را تجربه می‌کنند.	

اگرچه چارچوب نظری پژوهش حاضر بر مبنای روش گلچین‌گرایی تحلیلی از میان سه نظریه «آدری کورت کرونین»، «۲۰۰ محقق برجسته و دست‌اندرکار متخصص تروریسم در کنفرانس مادرید

در مارس ۲۰۰۵ و «برینیاریلیا» انتخاب شده است، لکن در پایان این بخش لازم است به این نکته اشاره شود که اسلام نیز مجموعه‌ای از عوامل «فردی»، «سیاسی» و «اجتماعی» را به عنوان علل و عوامل زمینه‌ساز ترور که در اسلام دارای سه معادل ارباب، فتک و اغتيال می‌باشد، ذکر نموده است که توضیح مفصل آن مجال دیگری را می‌طلبد. همان گونه که پیش تر ذکر شد، در پژوهش حاضر از روش «گلچین گرایی تحلیلی» استفاده شده است تا علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم به صورت دقیق تری فهم شود. زیرا با استفاده از یک نظریه نمی‌توان تمامی علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم را مورد واکاوی قرار داد؛ بنابراین در این پژوهش، گزاره‌ها، بینش‌ها و متغیرهای گزینشی سه نظریه که همه در زمره جریان اصلی مطالعات تروریسم قرار دارند، به منظور فهم دقیق تر علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم به کار گرفته می‌شود. در جدول ۴ گزاره‌ها، مفروضه‌ها و متغیرهای تبیینگری که از سه نظریه فوق وام گرفته شده‌اند (مجموعاً ۲۸ گزاره)، توضیح داده شده است.

جدول ۴: مفروضه‌ها، بینش‌ها و متغیرهای تبیین‌گر وام گرفته شده از سه نظریه بر اساس روش‌شناسی

گلچین‌گرایی تحلیلی (۲۸ گزاره) (منبع: نگارندگان)

چند مفروضه و متغیر تبیین‌گر که بر اساس روش «گلچین‌گرایی تحلیلی» (Analytic Eclecticism) از مفروضه‌ها، بینش‌ها و متغیرهای سه نظریه «آدری کروت کرونی»، نظریه «۲۰۰ محقق برجسته و دست‌اندرکار متخصصی در کنفرانس مادرید در مارس ۲۰۰۵» و نظریه «برین‌یار لیا» که همه در زمره جریان اصلی مطالعات تروریسم قرار دارند، وام گرفته شده است		
نظریه «آدری کروت کرونی»	سطح اول: نقش فردی	<p><u>گزاره ۱:</u> یک دیدگاه، منبع رفتار تروریستی را ناشی از ناتوانی بالقوه تروریست‌ها در عادی رفتار کردن می‌بیند. تصمیم تروریست‌ها به انجام اقدامات شنیع به‌دلیل اختلالات شخصیتی نظیر خودشیفتگی یا همه‌دشمنپنداری، کمبودهای روحی یا رفتارهای تکانشی می‌باشد.</p> <p><u>گزاره ۲:</u> برخی دیگر تروریسم را نشأت گرفته از خودبزرگ‌بینی و تکریم رهبران یا ممانعت از رشد روانی پیروان می‌دانند.</p>
	سطح دوم: نقش گروه یا سازمان	<p><u>گزاره ۳:</u> نظام اعتقادی در یک سازمان یا گروه تروریستی می‌تواند ارتباط اندکی با یک واقعیت به‌صورت وسیع‌تر ادراک‌شده داشته باشد؛ با این وجود این ارتباط اندک می‌تواند به‌واسطه پویایی‌های فشار برابر، تلقین فکری، تقویت متقابل و شناسایی گروه در میان اعضا تقویت شده و تداوم یابد. افراد عضو یک گروه تروریستی خود را به‌عنوان بخشی از یک هدف بزرگ‌تر می‌بینند که همین موضوع موجب عقلانی فرض کردن اقداماتی می‌گردد که در غیر این‌صورت آن اعضا احتمالاً آنها را انجام نمی‌دادند.</p>
	سطح سوم: نقش دولت	<p><u>گزاره ۴:</u> در گذشته، سازمان‌های تروریستی عموماً سلول‌های مخفی بسته با ساختار رهبری سلسله‌مراتبی و تماس منظم بین اعضا بودند. در نتیجه، اغلب تحقیقات انجام‌شده در مورد سازمان‌های تروریستی، بر روی فهم پویایی روابط میان اعضای یک گروه تروریستی به‌عنوان شیوه ارزیابی انگیزه‌های پشت حملات تروریستی، آسیب‌پذیری سلسله‌مراتب، ضعف در ساختار سازمانی و نظایر آن تمرکز می‌نمودند. سازمان‌های تروریستی جدید نظیر القاعده به‌طور فزاینده‌ای در حال پذیرش یک ساختار سلولی غیر سلسله‌مراتبی بدون مرکزیت هستند که با فناوری‌هایی مانند اینترنت و تلفن‌های ماهواره‌ای به‌هم متصل شده و یک ایدئولوژی یا مذهب مشترک الهام می‌گیرند. ساختارهای جدید کمتر وابسته به پویایی‌های داخلی سازمان هستند.</p> <p><u>گزاره ۵:</u> از آنجا که اکثر منابع شامل تسلیحات، پول و افراد و همچنین قوی‌ترین انگیزه‌های پایدار به‌منظور استفاده از تروریسم به‌عنوان ابزاری برای حمله به دولت‌های قوی‌تر در اختیار دولت‌ها قرار دارد، بنابراین در نظام بین‌الملل، دولت‌ها خطرناک‌ترین عاملان ایا بانیان تروریسم هستند. درک نقش دولت به‌منظور فهم منابع تروریسم بین‌الملل بسیار مهم است.</p> <p><u>گزاره ۶:</u> یک منبع مهم تروریسم، فروپاشی داخلی برخی از دولت‌ها می‌باشد؛ مشکل در اینجا «دولت‌های یاغی» نیستند، بلکه «دولت‌های ورشکسته» هستند.</p>

## عوامل روان‌شناختی

**گزاره ۷:** تعدادی از انگیزه‌های فردی وجود دارد: از نظر برخی، تروریسم به افراد بدون قدرت احساس قدرت می‌دهد؛ از منظر برخی دیگر، انتقام انگیزه اصلی تروریست‌ها است؛ از منظر دسته‌ای دیگر، تروریسم حس مهم بودن به تروریست‌ها می‌بخشد.

**گزاره ۸:** رهبر نقش مهمی در معرفی دشمن خارجی به‌عنوان یک علت آرمینه‌ساز تروریسم دارد. او افراد بیگانه و سرخورده آيا ناامید را جمع می‌کند که در صورت عدم وجود رهبر، جدا باقی می‌ماندند.

**گزاره ۹:** حضور رهبران ایدئولوژیک کارزماتیک که قادر به تبدیل سرخوردگی آيا ناامیدی و نارضایتی گسترده به یک دستور کار سیاسی برای کشمکش‌های خشونت‌آمیز هستند، عامل مهمی در ظهور جنبش‌های تروریستی می‌باشد.

**گزاره ۱۰:** یک رهبر بنیادگرای مذهبی می‌تواند از اقتدار خود به‌منظور تفسیر کتب مقدس مذهبی استفاده کند تا اقدامات افراطی خشونت‌آمیز را توجیه نماید.

## عوامل سیاسی

**گزاره ۱۱:** تروریسم ریشه در نارضایتی سیاسی دارد.

**گزاره ۱۲:** فرآیندهای سرایت ممکن است با عبور از سطح ملی عمل نموده و به‌واسطه شرایط مختلف، موجب گسترش [و شیوع] تروریسم از نقطه شکل‌گیری اولیه شوند.

**گزاره ۱۳:** سرخوردگی در مورد امکان ایجاد تغییر از طریق اقدامات غیر خشونت‌آمیز یا از طریق اقدامات خشونت‌آمیز به غیر از تروریسم (مثلاً جنگ چریکی) به انتخاب تروریسم کمک می‌نماید.

## عوامل اقتصادی

**گزاره ۱۴:** افزایش در اندازه جمعیت جوان مرد مواجه با دورنمای اشتغال ناامن؛ یک عامل خطر فراگیر در جوامع در حال توسعه می‌باشد. وضعیت تحصیلی نسبتاً پایین و مشارکت سیاسی پایین زنان با سطوح بالاتری از خشونت و بی‌ثباتی سیاسی همراه است. تحصیل بدون فرصت استخدام یک ترکیب انفجاری است.

**گزاره ۱۵:** نابرابری ساختاریافته در درون کشورها، مستمسکی برای جنبش‌های سیاسی خشونت‌آمیز به‌صورت عام و تروریسم به‌صورت خاص ایجاد می‌نماید.

**گزاره ۱۶:** جنبش‌های تروریستی ملی‌گرایانه- قومی و انقلابی معمولاً در بستری با منازعات سیاسی بزرگ پدیدار می‌شوند و بر نارضایتی گروه‌هایی متمرکز می‌شوند که خود را از نظر اقتصادی یا سیاسی به‌حاشیه رانده شده می‌بینند.

**گزاره ۱۷:** افزایش نابرابری می‌تواند منجر به اقدامات تروریستی توسط تروریست‌ها به‌نام توزیع عادلانه‌تر ثروت شود.

## عوامل مذهبی

**گزاره ۱۸:** نارضایتی‌های سیاسی و اقتصادی علل یا کاتالیزورهای اولیه [تروریسم] هستند و مذهب ابزاری برای مشروعیت‌بخشی و بسیج [جامعه] می‌باشد. اگرچه مذهب نمی‌تواند تنها عامل تروریسم باشد، لکن مذهب می‌تواند موجب تحریک و برانگیختن وضعیت گردد.

## عوامل فرهنگی

**گزاره ۱۹:** روایت‌ها و خاطره‌های تاریخی می‌توانند [بهانه] آن‌چه که تروریست‌ها [آن را] «تنها علت» مشغول شدن به خشونت می‌دانند را به آن‌ها بدهد.

**گزاره ۲۰:** منازعات محلی و همچنین منازعات فرهنگی گسترده‌تر بین گروه‌های مذهبی و حتی بین قبایل و عشیره‌ها، مرحله آغازین عضوگیری گروه‌های تروریستی می‌باشد.



<p><b>نظریه «برین یار لیا»</b></p>	<p><b>تبیین‌های روان‌شناختی تروریسم</b></p> <p><b>گزاره ۲۱:</b> ناکامی [تروریست‌ها] در بسیج حمایت مردمی از برنامه سیاسی رادیکال آن‌ها می‌تواند آغازگر تصمیم تروریست‌ها در به‌کارگیری تروریسم به‌منظور مهندسی نمودن [افکار عمومی] در راستای یک مواجهه خشونت‌آمیز با مقامات دولتی باشد.</p> <p><b>گزاره ۲۲:</b> تروریسم به احتمال زیاد در شرایطی که سطح بالایی از «فاصله اجتماعی» یا «قطبش اجتماعی» بین عاملان [آیا بانیان] و قربانیان، از جمله درجه بالایی از فاصله فرهنگی و ارتباطی، نابرابری و استقلال کارکردی وجود دارد، رخ می‌دهد.</p> <p><b>گزاره ۲۳:</b> بمب‌گذاری انتحاری یکی از نتایج نفرت از تمایلات جنسی می‌باشد.</p> <p><b>گزاره ۲۴:</b> خشونت سیاسی و خشونت جنایی انگیزه‌مند، عمدتاً کار مردان جوان مجرد می‌باشد.</p> <p><b>گزاره ۲۵:</b> امواج دوره‌ای تروریسم ممکن است بخشی به‌دلیل تمایل تروریست‌ها به‌منظور تضمین «ارزش خبری داشتن» و در نتیجه دسترسی رسانه‌ای باشد.</p> <p><b>گزاره ۲۶:</b> عملیات‌های موفقیت‌آمیز [تروریستی] در یک کشور کپی‌برداری از گروه‌های دیگر می‌باشد.</p>	<p><b>گزاره ۲۱:</b> ناکامی [تروریست‌ها] در بسیج حمایت مردمی از برنامه سیاسی رادیکال آن‌ها می‌تواند آغازگر تصمیم تروریست‌ها در به‌کارگیری تروریسم به‌منظور مهندسی نمودن [افکار عمومی] در راستای یک مواجهه خشونت‌آمیز با مقامات دولتی باشد.</p> <p><b>گزاره ۲۲:</b> تروریسم به احتمال زیاد در شرایطی که سطح بالایی از «فاصله اجتماعی» یا «قطبش اجتماعی» بین عاملان [آیا بانیان] و قربانیان، از جمله درجه بالایی از فاصله فرهنگی و ارتباطی، نابرابری و استقلال کارکردی وجود دارد، رخ می‌دهد.</p> <p><b>گزاره ۲۳:</b> بمب‌گذاری انتحاری یکی از نتایج نفرت از تمایلات جنسی می‌باشد.</p> <p><b>گزاره ۲۴:</b> خشونت سیاسی و خشونت جنایی انگیزه‌مند، عمدتاً کار مردان جوان مجرد می‌باشد.</p> <p><b>گزاره ۲۵:</b> امواج دوره‌ای تروریسم ممکن است بخشی به‌دلیل تمایل تروریست‌ها به‌منظور تضمین «ارزش خبری داشتن» و در نتیجه دسترسی رسانه‌ای باشد.</p> <p><b>گزاره ۲۶:</b> عملیات‌های موفقیت‌آمیز [تروریستی] در یک کشور کپی‌برداری از گروه‌های دیگر می‌باشد.</p>
<p><b>تبیین‌های اجتماعی تروریسم</b></p>	<p><b>گزاره ۲۷:</b> تروریسم مدرن به این دلیل اتفاق می‌افتد که شرایط مدرن، روش‌های تروریستی را به‌شدت آسان کرده است.</p>	<p><b>گزاره ۲۷:</b> تروریسم مدرن به این دلیل اتفاق می‌افتد که شرایط مدرن، روش‌های تروریستی را به‌شدت آسان کرده است.</p>
	<p><b>تبیین‌های مرتبط با نظام بین‌الملل</b></p>	<p><b>گزاره ۲۸:</b> دولت‌ها به‌واسطه وارد شدن در جنگ‌های نیابتی و از طریق حمایت آشکار یا ضمنی از شورشیان و سازمان‌های تروریستی اقدام‌کننده علیه دولت(های) خارجی، تروریسم بین‌الملل را تسهیل می‌نمایند.</p>

### ۳- ده تعریف ارائه شده از مفهوم تروریسم

ضمن مدنظر قرار دادن توضیحات «ماسکالینیت» درباره پنج شیوه مختلف تعریف مفهوم «تروریسم» در بخش مقدمه، باید گفت که تاکنون بیش از ششصد تعریف مختلف از مفهوم «تروریسم» ارائه شده است. در این بخش به ده تعریف ارائه شده از مفهوم «تروریسم» پرداخته می‌شود. در جدول ۵ به این موضوع پرداخته شده است که در هر یک از تعاریف ارائه شده از مفهوم «تروریسم» بر کدام یک از علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم تأکید شده است.

جدول ۵: بررسی تأثیر علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم بر ده تعریف ارائه شده از مفهوم «تروریسم» (منبع: نگارندگان)

تأثیر علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم بر تعریف ارائه شده از تروریسم	تعریف تروریسم
اولویت دادن به علل و عوامل سیاسی زمینه‌ساز تروریسم	جنگ ادامه سیاست لکن با ابزار دیگر تعریف گردیده است و تروریسم نیز گاهی اوقات به‌عنوان ادامه سیاست شناخته می‌شود. (Schmid, 2004, p. 202)
اولویت دادن به علل و عوامل سیاسی و خارجی زمینه‌ساز تروریسم	از نقطه‌نظر نظریه استراتژیک، تروریسم مجموعه‌ای از تاکتیک‌ها و نوعی از جنگیدن (a set of tactics, a form of fighting) می‌باشد که فی‌النفسه می‌تواند توسط هر کنش گر متخاصم (any belligerent actor) که می‌تواند دولتی یا غیردولتی باشد، در هر نوع منازعه به کار گرفته شود. (Neumann & Smith, 2008, p. 14)
اولویت دادن به علل و عوامل سازمانی زمینه‌ساز تروریسم	ترور نه یک اعتقاد (creed) که یک استراتژی است. تروریسم یک پدیده منسجم تک علیتی (a single causally coherent phenomenon) نیست (Tilly, 2004, pp. 11-12)
اولویت دادن به علل و عوامل سیاسی و سازمانی زمینه‌ساز تروریسم	تروریسم یک سیاست [مبتنی بر] ارباب اجبارآمیز (a policy of coercive intimidation) می‌باشد (Fotion, 2004, p. 44)
اولویت دادن به علل و عوامل سیاسی، خارجی و فرهنگی زمینه‌ساز تروریسم	تروریسم یک جرم سیاسی (a political crime) است: حمله به مشروعیت یک حکومت، ایدئولوژی یا سیاست خاص می‌باشد. (Devost, Houghton & Pollard, 1997, p. 77)
اولویت دادن به علل و عوامل روان‌شناختی، سازمانی، سیاسی و فرهنگی زمینه‌ساز تروریسم	تروریسم یک ابزار است، نه یک هدف (Terrorism is a means, not a goal). از آنجایی که تروریسم ساده‌ترین شکل مبارزه مسلحانه می‌باشد، به‌نظر می‌رسد که در هر زمان و هر مکان منازعه‌ای به‌اندازه کافی حاد وجود دارد که اراده متوسل شدن به خشونت را در تعدادی از مردم ایجاد نماید (Merari, 1999, p. 59)
اولویت دادن به علل و عوامل روان‌شناختی، سازمانی، سیاسی و اجتماعی زمینه‌ساز تروریسم	تروریسم به‌عنوان یک کنش ارتباطی [مطرح است] (terrorism as a communicative act). اقدامات خشونت‌آمیز تروریست‌ها و استراتژی‌های ارتباطاتی آنها به‌شدت به هم گره خورده است. قابل رویت‌ترین (و موفق‌ترین) گروه‌های تروریستی آنهایی هستند که از یک مدل ارتباطی استفاده می‌کنند که فراتر از ارائه ساده پیام به یک مخاطب منفعل (a passive audience) عمل می‌کند. ارتباطات در قلب تروریسم قرار دارد. هنر اصلی القاعده در ۱۱ سپتامبر نه گشتار چندین هزار نفر که مرعوب نمودن میلیون‌ها نفر دیگر از طریق گزارش‌ها و تصاویر حملات و تغییر شیوه زندگی بسیاری از مردم در سراسر جهان بود (Seib & Janbek, 2011, p. 1)
اولویت دادن به علل و عوامل روان‌شناختی، سازمانی، سیاسی و اجتماعی زمینه‌ساز تروریسم	تروریسم تلفیق جنگ و صحنه [تئاتر] است (a synthesis of war and the theatre) که نشانگر نهی‌شده‌ترین نوع خشونت می‌باشد که بر قربانیان بی‌گناه اعمال می‌گردد و با هدف ایجاد حالتی از هراس در مخاطب و برای مقاصد سیاسی، در حضور آن مخاطب اجرا می‌گردد (Combs, 2000, p. 8)
اولویت دادن به علل و عوامل روان‌شناختی و سازمانی زمینه‌ساز تروریسم	تروریسم یک روش مبارزه می‌باشد (Jackson, 1990, p. 402)
اولویت دادن به علل و عوامل روان‌شناختی، سازمانی، سیاسی، مذهبی و اجتماعی زمینه‌ساز تروریسم	تروریسم استفاده غیرقانونی یا تهدید به استفاده از زور یا خشونت، به‌منظور القای تدریجی هراس و وحشت علیه افراد یا دارایی‌ها در تلاش برای اجبار یا ارباب حکومت‌ها یا جوامع (coerce or intimidate governments or societies)، یا دست‌گرفتن کنترل یک جمعیت برای رسیدن به اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک می‌باشد (NATO Standardization Agency, 2018, p. 124)

## تروریسم شش ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران

از اردیبهشت ۱۳۵۸ تاکنون، شش جریان تروریستی شامل ۱) تروریسم چپ گرا یا دست چپی؛ ۲) تروریسم راست گرا یا دست راستی؛ ۳) تروریسم چپ گرا - قومیت گرا - جدایی طلب؛ ۴) تروریسم قومیت گرا - مذهبی؛ ۵) تروریسم قومیت گرا - جدایی طلب؛ و ۶) تروریسم مذهبی علیه جمهوری اسلامی ایران (و مردم ایران) دست به اقدامات تروریستی زده‌اند. در جدول ۶ این تروریسم شش ضلعی شرح داده شده است.

لازم به ذکر است که عدم ذکر نام گروه‌هایی نظیر گروه دست راستی ارتش آزادیبخش ایران آرا (حسین منوچهر مشهور به بهرام آریانا، غلام‌علی اویسی، جمشید حسنی، محمود فروغی، آرش اسپهبدی، فریبا روانبخش و...)؛ گروه چپ‌گرای اتحادیه کمونیست‌های ایران (سیامک زعیم، علی چرم اهلی، بهروز فتحی، رسول محمدی، بهروز محمدی، حسین عطائی، حسین ریاحی، منصور قماش و...)؛ گروه چپ‌گرای سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (اشرف دهقانی، محمد حرمتی‌پور، فریرز سنجر، عبدالرحیم صبوری و...)؛ گروه چپ‌گرای سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر (علیرضا سپاسی آشتیانی، حسین احمدی روحانی، قاسم عابدینی، احمدعلی روحانی، مسعود پورکریم، بهجت مهرآبادی، شهرام محمدی، مظاهر محمودی، مسعود جیگاره‌ای، محمد نمازی و...) و دیگر گروه‌ها و دسته‌های کم‌فروغ آن است که این گروه‌ها مبادرت به اقدامات و کنش‌های مسلحانه، خراب‌کارانه و چریکی در راستای براندازی علیه جمهوری اسلامی ایران نموده‌اند که با موضوع «تروریسم» تفاوت ماهوی دارند.

جدول ۶: تروریسم شش ضلعی اقدام کننده علیه جمهوری اسلامی ایران (منبع: نگارندگان)

نام گروه تروریستی	نام پایه گذار(ان)	نام برخی از مهره(های) کلیدی (در قید حیات / متوفی) (عضو فعلی / جدا شده)	سال تأسیس
سازمان مجاهدین خلق	محمد حنیف نژاد، سعید محسن و عبدالرضا نیک‌بین رودسری معروف به عبدی (به دلیل جدایی نیک‌بین از سازمان در سال ۱۳۴۷، نام اصغر بدیع‌زادگان به عنوان بنیان‌گذار سوم این سازمان ذکر شده است)	تقی شهرام - بهرام آرام - وحید افراخته - مسعود رجوی - موسی خیابانی - اشرف ربیعی - مریم فچر عضدانلو - مهدی ابریشم‌چی - زهره اخبانی - فهیمه اروانی - مهدی براعی - مژگان پارسایی - زهرا مریخی آهنگر کلایی - محمد علی توحیدی خانیکی - علی خدایی صفت - مهدی خدایی صفت	۱۳۴۴
انجمن پادشاهی ایران (تندر)	فتح‌اله منوچهری با نام مستعار فرود فولادوند	جمشید شارمهد - ماسمانوس	۱۳۸۳
ارتش مردمی شاهین‌لو	شاهین زحمت‌کش با نام مستعار شاهین‌لو	سیامک تدین طهماسبی	۱۳۹۶
حزب دموکرات کردستان ایران یا حدکا	قاضی محمد	مصطفی هجری - خالد عزیزی - عبدالله حسن‌زاده - عبدالرحمن قاسم‌لو - مصطفی مولودی	۱۳۲۴
کومله	محمدفواد مصطفی سلطانی - محمدحسین کریمی - صدیق کمان‌گر - محمدطیب عباس روح‌اللهی - عبدالله مهتدی - ابراهیم علی‌زاده - حسین مرادیگی بوکانی - ایرج فرزاد - عمر ایلخانی‌زاده - محسن رحیمی و ساعد وطن‌دوست	عبداله مهتدی - عمر ایلخانی‌زاده - رضا کعبی - محمدفواد مصطفی سلطانی - خالد علی‌پناه - ابراهیم علیزاده	۱۳۵۷
حزب حیات آزاد کردستان یا پژاک (به عنوان زیرمجموعه PKK شناخته می‌شود)	عبداله اوچالان (موسس PKK) - عثمان اوچالان - جمیل باتیک - مراد کار ایلان - دوران کالکان (همه از PKK)	عبدالرحمان حاجی احمدی - سیامند معینی - زیلان وژین - احسان واریا - عاکف مامو زاگرس - گلستان دوغان - فرهاد عبدالله‌زادگان - شیرزاد کمان‌گر - لیلا عفرین - آمد شاهو	۱۳۸۲
حزب آزادی کردستان یا پاک	سعید یزدان‌پناه	علی قاضی محمد - حسین یزدان‌پناه - شوانه کامیارانی - رزگار خرامان	۱۳۷۰
سازمان خبات انقلابی کردستان ایران یا خبات	شیخ جلال حسینی (روحانی و برادر امام جمعه مه‌باد قبل از انقلاب اسلامی)	باباشیخ حسینی - ملاخدر عباسی	۱۳۵۹
جامعه دموکراتیک و آزاد شرق کردستان یا کودار	در اساسنامه کودار، موسس و رهبر آن عبدالله اوچالان (موسس PKK) ذکر شده است. اساسنامه کودار برای پژاک نقش پیشاهنگی قائل شده است	ریزان جاوید - زیلان تانیا - فواد بریتان - گلان فهیم - امیر کریمی	۱۳۹۳
جنداله	عبدالمجید (عبدالمالک) ریگی	محمد ظاهر تنیده نارویی ملقب به محمد ظاهر بلوچ - عبدالرئوف ریگی - ابراهیم عزیزی (سلمان) - شفیع محمد میری - عبدالغفار نقش‌بندی - یعقوب مهرنهاد	۱۳۸۲

اوایل سال ۱۳۹۰	عبدالرئوف ریگی (گفته می‌شود وی موسس اصلی این گروه بوده است. بعدها از جیش‌العدل جدا گردید) - محمد ظاهر تنیده نارویی (پس از انحلال جنداله به جیش‌العدل پیوست) - محمدسعید ترکمان زهی (ملا معاذ) - زبیر اسماعیل زهی - ملا عمر معروف به عمر شاه‌زهی - عبدالرحمان ملک رئیسی (اجمل یا جاسم سربازی)	عبدالرحیم ملازاده ملقب به صلاح‌الدین فاروقی (وی پیش‌تر عضو جنداله بود) - این گروه دارای سه شاخه نظامی «عبدالملک ملازاده»، «شیخ ضیایی» و «مولوی نعمت‌اله توحیدی» و یک شاخه اطلاعاتی به نام «زبیر اسماعیل زهی» می‌باشد	جیش‌العدل
۱۳۸۹	محمدگل شهبخش	حق‌نواز جهنگوی پایه‌گذار سپاه صحابه (۱۹۸۵ میلادی) در پاکستان با همکاری ضیاء‌الرحمن فاروقی، اینارالحق قاسمی و اعظم طارق	سپاه صحابه ایران
۱۳۹۳	ابوبکر ریگی - داوود خان شیرانی (نارویی)	عبدالرئوف ریگی (این گروه در آبان ۱۳۹۵ منحل و در جیش‌العدل ادغام گردید)	جیش‌النصر
۱۳۹۳	هشام عزیزی معروف به ابوحفص البلوشی - شفیع محمد میری (پس از جدایی از جنداله به حرکت انصار ایران پیوست)	جلیل قنبر زهی (شهبخش) معروف به صلاح‌الدین (انصارالفرقان حاصل ادغام حرکت انصار ایران و حزب الفرقان است)	انصارالفرقان
۱۳۷۶	احمد نیسی - سید عبدالحمید نزاری - هانی نیسی - حاتم نیسی - یعقوب نیسی - عادل نیسی - حبیب اسبود	حبیب نبگان	حرکت النضال العربی لتحریر الأحواز یا الأحوازیه
۱۳۷۶	عوده عفراوی	سیدطاهر آل نعمه (سید هاشم نعمتی)	حرکت التحریر الوطنی الأحواز
۱۳۷۹	صلاح مزرعه (ابوشریف) - طاهر مزرعه (ابونضال)	محمود مزرعه (ابوبشار)	جبهه دموکراتیک خلق عرب احواز
۱۳۸۱	عدنان سلمان (عبدالحسن طرفی زوبری) - جلیل شرهانی - موسی شریفی - وجدان عفراوی - کریم عبدیان‌نژاد - ناهی ساعدی - یاسین غبیشی - یوسف عزیزی بنی طرف	منصور عبدویس معروف به منصور سیلاوی	حزب تضامن الدیمقراطی الأحوازی
۱۳۸۹	حاصل ائتلاف چهار تشکل سازمان ملی احواز (عربستان)، مقاومت ملی آزادی‌بخش احواز، جبهه العربیه لتحریر الأحواز، حرکة النضال العربی لتحریر الأحواز و ۱۲۰ نفر دیگر	عادل سویدی - حبیب نبگان	سازمان ملی آزادی‌بخش احواز یا حزم
۱۳۵۹	محمود حسین مشاوی (محمود مشاوی)	فالح نیکوسرشت (فالح عبدالله المنصوری)	الجبهه (المنظمه) العربیه لتحریر الأحواز (میعاد)
۱۳۸۴	ناصر عبیات (ناصر الاحوازی)	سیدصباح (سید ایوب) موسوی (در سال ۱۳۹۷ حرکة العداله را پایه‌گذاری نمود)	حزب النهضه العربی لتحریر الأحواز
۲۰۱۳	عبداله قرداش - أبو الحسین الحسینی القرشی - ابوابراهیم هاشمی قرشی	ابوبکر البغدادی	داعش
۱۳۵۶	سعید مرآت - علی حاتمی - محمد متحدی - حسن اقرلو - عباس عسگری - علیرضا شاه‌بیک - محمود کشانی	اکبر گودرزی (وی طلبه بود، اما تز اصلی وی اسلام منهای روحانیت بود)	فرقان

## شکل‌گیری فرضیه: علل و عوامل ده‌گانه زمینه‌ساز تروریسم شش‌ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران

به‌واسطه بهره‌گیری از روش‌شناسی «گلچین‌گرایی تحلیلی» در این پژوهش، گزاره‌ها، بینش‌ها و متغیرهای گزینشی سه نظریه (۱) «آدری کرت کروئن»، (۲) «۲۰۰ محقق برجسته و دست‌اندرکار متخصص تروریسم در کنفرانس مادرید در مارس ۲۰۰۵» و (۳) «برین‌یارلیا» که همه در زمره جریان اصلی مطالعات تروریسم قرار دارند، به‌منظور فهم دقیق‌تر علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم به کار گرفته شده است (مجموعاً ۲۸ گزاره) که توضیح مشروح آن در جدول ۷ ذکر گردیده است.

بنابراین، می‌توان گفت که به‌واسطه بهره‌گیری از روش‌شناسی «گلچین‌گرایی تحلیلی» و تلفیق دیدگاه‌های سه نظریه فوق، می‌توان مجموعه‌ای ده‌گانه از علل و عوامل (۱) خارجی؛ (۲) روان‌شناختی؛ (۳) سازمانی؛ (۴) اقتصادی؛ (۵) تاریخی؛ (۶) اجتماعی؛ (۷) فرهنگی؛ (۸) فنی؛ (۹) سیاسی؛ و (۱۰) مذهبی را استخراج نمود و بر همین اساس فرضیه این پژوهش در مورد علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم شش‌ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران شکل می‌گیرد.

جدول ۷: ریشه و مبنای نظری علل و عوامل ده‌گانه زمینه‌ساز تروریسم شش‌ضلعی در جمهوری اسلامی ایران (منبع: نگارندگان)

<p>بر اساس روش «گلچین‌گرایی تحلیلی» (Analytic Eclecticism)</p> <p>از مفروضه‌ها، بینش‌ها و متغیرهای کدام یک از سه نظریه «آدری کرت کروئن»، نظریه «۲۰۰ محقق برجسته و دست‌اندرکار متخصص در کنفرانس مادرید در مارس ۲۰۰۵» و نظریه «برین‌یارلیا» وام گرفته شده است؟</p>	<p><b>علل و عوامل ده‌گانه زمینه‌ساز تروریسم شش‌ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران</b></p>
<p>وام گرفته شده از نظریه «آدری کرت کروئن» (سطح سوم: نقش دولت- گزاره‌های ۵ و ۶ جدول ۴)؛</p> <p>وام گرفته شده از نظریه «برین‌یارلیا» (تبیین‌های مرتبط با نظام بین‌الملل- گزاره ۲۸ جدول ۴)</p>	<p><b>علل و عوامل خارجی</b></p>

<p>وام گرفته شده از نظریه «آدری کرت کروئن» (سطح اول: نقش فردی- گزاره‌های ۱ و ۲ جدول ۴)؛</p> <p>وام گرفته شده از نظریه «۲۰۰ محقق برجسته و دست‌اندرکار متخصص در کنفرانس مادرید در مارس ۲۰۰۵» (عوامل روان‌شناختی- گزاره ۷ جدول ۴)؛</p> <p>وام گرفته شده از نظریه «برین یار لیا» (تبیین‌های روان‌شناختی تروریسم- گزاره‌های ۲۳، ۲۴، ۲۵ و ۲۶ جدول ۴)</p>	<p><b>علل و عوامل روان‌شناختی</b></p>
<p>وام گرفته شده از نظریه «آدری کرت کروئن» (سطح دوم: نقش گروه یا سازمان- گزاره‌های ۳ و ۴ جدول ۴)؛</p> <p>وام گرفته شده از نظریه «۲۰۰ محقق برجسته و دست‌اندرکار متخصص در کنفرانس مادرید در مارس ۲۰۰۵» (عوامل روان‌شناختی- گزاره‌های ۸ و ۹ جدول ۴)</p>	<p><b>علل و عوامل سازمانی</b></p>
<p>وام گرفته شده از نظریه «۲۰۰ محقق برجسته و دست‌اندرکار متخصص در کنفرانس مادرید در مارس ۲۰۰۵»</p> <p>(عوامل اقتصادی- گزاره‌های ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ جدول ۴)</p>	<p><b>علل و عوامل اقتصادی</b></p>
<p>وام گرفته شده از نظریه «۲۰۰ محقق برجسته و دست‌اندرکار متخصص در کنفرانس مادرید در مارس ۲۰۰۵»</p> <p>(عوامل فرهنگی- گزاره ۱۹ جدول ۴)</p>	<p><b>علل و عوامل تاریخی</b></p>
<p>وام گرفته شده از نظریه «برین یار لیا»</p> <p>(تبیین‌های روان‌شناختی تروریسم- گزاره‌های ۲۱ و ۲۲ جدول ۴)</p>	<p><b>علل و عوامل اجتماعی</b></p>
<p>وام گرفته شده از نظریه «۲۰۰ محقق برجسته و دست‌اندرکار متخصص در کنفرانس مادرید در مارس ۲۰۰۵»</p> <p>(عوامل فرهنگی- گزاره ۲۰ جدول ۴)</p>	<p><b>علل و عوامل فرهنگی</b></p>
<p>وام گرفته شده از نظریه «برین یار لیا»</p> <p>(تبیین‌های اجتماعی تروریسم- گزاره ۲۷ جدول ۴)</p>	<p><b>علل و عوامل فنی</b></p>
<p>وام گرفته شده از نظریه «۲۰۰ محقق برجسته و دست‌اندرکار متخصص در کنفرانس مادرید در مارس ۲۰۰۵»</p> <p>(عوامل سیاسی- گزاره‌های ۱۱، ۱۲ و ۱۳ جدول ۴)</p>	<p><b>علل و عوامل سیاسی</b></p>
<p>وام گرفته شده از نظریه «۲۰۰ محقق برجسته و دست‌اندرکار متخصص در کنفرانس مادرید در مارس ۲۰۰۵»</p> <p>(عوامل مذهبی- گزاره ۱۸ جدول ۴) و (عوامل روان‌شناختی- گزاره ۱۰ جدول ۴)</p>	<p><b>علل و عوامل مذهبی</b></p>

### علل و عوامل خارجی زمینه‌ساز تروریسم شش ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران

علل و عوامل خارجی زمینه‌ساز تروریسم شش ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران دارای دو جنبه می‌باشد. جنبه اول که نمود اصلی آن در حمایت همه‌جانبه برخی از کشورهای خارجی و سرویس‌های اطلاعاتی آن‌ها نظیر CIA، MI6، Mossad، DGSE، BND، AIVD، PET و... از جریان‌های تروریستی شش ضلعی متجلی است را می‌توان مهم‌ترین علت و عامل زمینه‌ساز تروریسم

شش ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران دانست. تمامی گروه‌های تروریستی که در تروریسم شش ضلعی دسته‌بندی شده‌اند از حمایت‌های خارجی برخوردار بوده‌اند و بدون این حمایت‌ها موفق به ترور این تعداد از مردم و مسئولان جمهوری اسلامی ایران نمی‌شدند.

«آدری کرت کروئن» معتقد است از آنجا که اکثر منابع شامل تسلیحات، پول و افراد و همچنین قوی‌ترین انگیزه‌های پایدار به‌منظور استفاده از تروریسم به‌عنوان ابزاری برای حمله به دولت‌های قوی‌تر در اختیار دولت‌ها قرار دارد، بنابراین در نظام بین‌الملل، دولت‌ها خطرناک‌ترین عاملان [یا بانیان] تروریسم<sup>۱</sup> هستند. [از این رو] درک نقش دولت به‌منظور فهم منابع تروریسم بین‌الملل بسیار مهم می‌باشد (Cronin, 2004, pp. 42-43). «برین یارلیا» نیز متذکر می‌گردد که «کشورها به‌واسطه وارد شدن در جنگ‌های نیابتی و از طریق حمایت آشکار یا ضمنی از شورشیان و سازمان‌های تروریستی اقدام‌کننده علیه کشور(های) خارجی، تروریسم بین‌الملل را تسهیل می‌نمایند» (Lia, 2011, p. 279).

در اینجا مبحث «تروریسم دولتی» که نوعی از ترور می‌باشد، موضوعیت می‌یابد. «روث بلیکلی» مفهوم «تروریسم دولتی» را این‌گونه تعریف می‌کند: دولت‌ها در خارج از مرزهای خود از تروریسم به‌منظور دستیابی به اهداف خاص سیاست خارجی استفاده می‌کنند، یا از طریق عهده‌دار شدن کارزارهای تروریستی<sup>۲</sup> علیه افراد یا گروه‌های خاص و عمدتاً مقامات یک کشور، از اقداماتی نظیر آدم‌کشی و سلسله بمب‌گذاری یا با مشارکت در سلسله ترورهای عمومی تر با هدف ایجاد بی‌ثباتی در جوامع استفاده می‌نمایند (Blakeley, 2010, pp. 19-20).

تروریسم شش ضلعی ضد جمهوری اسلامی ایران نیز مورد حمایت برخی از دولت‌های غربی قرار دارد. سرویس‌های اطلاعاتی غربی به هشت روش از تروریسم شش ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران حمایت می‌نمایند و اگر این حمایت‌های هشت‌گانه نبود، جریان‌های تروریستی شش ضلعی موفق به ترور تعداد زیادی از مردم و مقامات جمهوری اسلامی ایران نمی‌شدند. در جدول ۸، حمایت‌های هشت‌گانه سرویس‌های اطلاعاتی غربی از تروریسم شش ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران شرح داده شده است.

جنبه دوم علل و عوامل خارجی زمینه‌ساز تروریسم شش ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران در

1. most dangerous perpetrators of terrorism

2. terrorist campaigns



مفاهیم «دولت ضعیف»<sup>۱</sup> و «دولت ورشکسته»<sup>۲</sup> ریشه دارد. آن گونه که «آدری کرت کرونن» متذکر می‌گردد «یک منبع مهم تروریسم، فروپاشی داخلی برخی از دولت‌ها می‌باشد؛ مشکل در اینجا دولت‌های یاغی<sup>۳</sup> نیستند، بلکه دولت‌های ورشکسته هستند» (Cronin, 2004, p. 42)؛ بنابراین، دولت ضعیف پاکستان و عراق (پس از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳) و دولت ورشکسته عراق (در دوران صدام حسین) که میزبان گروه‌های تروریستی ایرانی هستند را می‌توان به‌عنوان دومین جنبه علل و عوامل خارجی زمینه‌ساز تروریسم شش ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران ذکر نمود. دولت پاکستان میزبان تروریسم قومیت‌گرا - مذهبی (جنداله، جیش‌العدل، سپاه صحابه ایران، جیش‌النصر و انصار الفرقان) بوده است و دولت عراق در زمان صدام حسین میزبان تروریسم چپ‌گرا یا دست‌چپی (سازمان مجاهدین خلق) و تروریسم چپ‌گرا - قومیت‌گرا - جدایی‌طلب (حزب دموکرات کردستان یا حدکا؛ کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران یا سازمان انقلابی زحمت‌کشان کردستان ایران؛ حزب حیات آزاد کردستان یا پژاک؛ حزب آزادی کردستان یا پاک؛ سازمان خبات انقلابی کردستان ایران یا خبات؛ جامعه دموکراتیک و آزاد شرق کردستان یا کودار) بود. البته سازمان مجاهدین خلق در سال ۲۰۱۶ میلادی (۱۳۹۵ شمسی) به‌صورت کامل از خاک عراق خارج شد و در کشور آلبانی مستقر گردید. ضمن آنکه کشور عراق و اقلیم کردستان همچنان میزبان جریان‌های تروریستی کرد می‌باشد.

- 
1. weak states
  2. failed states
  3. rogue states

جدول ۸: حمایت‌های هشت‌گانه سرویس‌های اطلاعاتی غربی از تروریسم شش ضلعی علیه جمهوری

اسلامی ایران (منبع: نگارندگان)

نوع کنش سرویس‌های اطلاعاتی غربی	CIA (ایالات متحده)		MI6 (بریتانیا)		Mossad (اسرائیل)		DGSE (فرانسه)		BND (آلمان)		AIVD (هلند)		PET (دانمارک)	
	درون ایران	خارج از ایران	درون ایران	خارج از ایران	درون ایران	خارج از ایران	درون ایران	خارج از ایران	درون ایران	خارج از ایران	درون ایران	خارج از ایران	درون ایران	خارج از ایران
تأمین مالی	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓						
خانه‌های امن	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓						
مواد منفجره	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓						
پول (در درون ایران و در زمان عملیات)	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓						
ابزارهای تخصصی مورد نیاز در فعالیت‌های تروریستی	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓						
مدارک و اوراق هویتی	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓					✓	
سلاح	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓						
پوشش	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓					✓	
پشتیبانی	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓					✓	
پشتیبانی اطلاعاتی	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓					✓	
آموزش	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓						
به‌کارگیری مهره‌های نفوذی و سرپل‌های خود در راستای تسهیل عملیات تروریستی	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓						
تسهیل تردد تروریست‌ها در داخل و خارج از خاک ایران	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓						
برقراری ارتباطات امن برای تروریست‌ها	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓					✓	
همانگی و هم‌افزایی جریان‌های تروریستی مختلف	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓						

سال سیزدهم، شماره ۳ (شماره پیاپی ۵۰)، تابستان ۱۴۰۳

علل و عوامل روان‌شناختی زمینه‌ساز تروریسم شش ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران

همان‌گونه که پیش‌تر ذکر گردید، «آدری کرت کرونین» در سطح تحلیل «فردی» که به علل و عوامل روان‌شناختی زمینه‌ساز تروریسم اشاره دارد، نکات مهمی را مطرح می‌نماید (Cronin, ۱۹۸۸).

(2004, pp. 34-35). ۲۰۰ محقق برجسته و دست‌اندرکار متخصص در کنفرانس مادرید در مارس ۲۰۰۵ نیز در هنگام بحث از علل ریشه‌ای پنج‌گانه تروریسم به عوامل «روانشناختی» اشاره می‌نمایند (Schmid, 2011, p. 272). «برین‌یارلیا» نیز در هنگام بحث از تبیین‌های تروریسم به «تبیین‌های روان‌شناختی تروریسم» اشاره می‌کند (Lia, 2011, pp. 276-277).

جدول ۹: علل و عوامل روان‌شناختی زمینه‌ساز تروریسم (منبع: نگارندگان)

ردیف	علل و عوامل روان‌شناختی زمینه‌ساز تروریسم	منبع
۱	تروریسم به افراد بدون قدرت احساس قدرت می‌دهد (to give a sense of power to the powerless)	(Schmid, 2011, p. 272)
۲	تروریسم حس مهم بودن (a sense of significance) به تروریست‌ها می‌بخشد.	(Schmid, 2011, p. 272)
۳	خودبزرگ‌بینی (self-aggrandizement) تروریست‌ها	(Cronin, 2004, p. 35)
۴	انتقام (revenge) انگیزه اصلی تروریست‌ها می‌باشد.	(Schmid, 2011, p. 272)
۵	خودشیفتگی (narcissism) تروریست‌ها	(Cronin, 2004, p. 34)
۶	کمبودهای روحی (mental deficiencies) تروریست‌ها	(Cronin, 2004, p. 34)
۷	خشونت سیاسی و خشونت جنایی انگیزه‌مند (political and criminal motivated violence)، عمدتاً کار مردان جوان مجرد (of young unmarried men) می‌باشد.	(Lia, 2011, p. 276)
۸	همه‌دشمن‌پنداری (paranoia) تروریست‌ها	(Cronin, 2004, p. 34)
۹	بمب‌گذاری انتحاری یکی از نتایج نفرت از تمایلات جنسی (sexual impulses) می‌باشد.	(Lia, 2011, p. 276)
۱۰	ممانعت از رشد روانی پیروان [گروه‌های تروریستی] زمینه‌ساز تروریسم [و اطاعت کورکورانه تروریست‌ها از رهبران] می‌باشد.	(Cronin, 2004, p. 35)
۱۱	ناتوانی بالقوه تروریست‌ها در عادی رفتار کردن	(Cronin, 2004, p. 34)
۱۲	عملیات‌های موفقیت‌آمیز [تروریستی] در یک کشور کپی‌برداری از گروه‌های [تروریستی در کشورهای] دیگر می‌باشد.	(Lia, 2011, p. 277)
۱۳	رفتارهای تکانشی (impulsive behavior) تروریست‌ها	(Cronin, 2004, p. 34)
۱۴	امواج دوره‌ای تروریسم ممکن است بخشی به دلیل تمایل تروریست‌ها به منظور تضمین «ارزش خبری داشتن» (newsworthiness) و در نتیجه دسترسی رسانه‌ای [در کانون توجه رسانه‌ها بودن و دیده شدن] باشد.	(Lia, 2011, p. 277)

به نظر می‌رسد تمامی این موارد را می‌توان به عنوان علل و عوامل روان‌شناختی زمینه‌ساز تروریسم شش ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران ردیف نمود. در جدول ۹ به علل و عوامل روان‌شناختی زمینه‌ساز تروریسم اشاره شده است.

### علل و عوامل سازمانی زمینه‌ساز تروریسم شش ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران

علل و عوامل سازمانی زمینه‌ساز تروریسم شش ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران را باید در چهار سطح «رهبر (ان)»، «آرمان‌ها و شعارهای انسجام‌بخش گروه تروریستی»، «هویت سازمانی» و «پویایی‌های سازمانی» مورد توجه قرار داد. بدیهی است که چنانچه «رهبر (ان)»، «آرمان‌ها و شعارهای انسجام‌بخش گروه تروریستی»، «هویت سازمانی» و «پویایی‌های سازمانی» یک گروه تروریستی برای اعضای آن جذاب نباشد، هیچ فردی جذب آن گروه تروریستی نخواهد شد و یا پس از جذب، از آن گروه جدا خواهد شد. لازم به ذکر است که در رابطه با علل و عوامل اقتصادی زمینه‌ساز تروریسم شش ضلعی در بخش بعدی بحث خواهد شد که متفاوت از علل و عوامل سازمانی زمینه‌ساز تروریسم شش ضلعی هستند.

در سطح «رهبر (ان)» باید به خصوصیات و مؤلفه‌های شخصیتی رهبر (ان) یک گروه تروریستی توجه نمود. آن گونه که ارزیابی ۲۰۰ محقق برجسته و دست‌اندرکار متخصص در کنفرانس مادرید در مارس ۲۰۰۵ نشان می‌دهد، رهبر [یک گروه تروریستی] افرادیگانه و سرخورده [یا ناامید] را جمع می‌کند که در صورت عدم وجود رهبر، جدا باقی می‌مانند (Schmid, 2011, p. 272) یا حضور رهبران ایدئولوژیک فرهمند (کاریزماتیک) که قادر به تبدیل سرخورده‌گی و نارضایتی گسترده به یک دستور کار سیاسی برای کشمکش‌های خشونت‌آمیز هستند، عامل مهمی در ظهور جنبش‌های تروریستی می‌باشد (Schmid, 2011, pp. 272-273). در این سطح، کاریزما یا کیش شخصیت رهبر (ان) یک گروه تروریستی نقشی مهم ایفا می‌نماید.

در سطح دوم «آرمان‌ها و شعارهای انسجام‌بخش گروه تروریستی» موضوعیت می‌یابد. «آرمان‌ها و شعارهای انسجام‌بخش گروه تروریستی» می‌تواند افراد سرخورده و نارضاضی از وضع موجود را جذب نماید.

در سطح سوم، موضوع «هویت» نقش اصلی را ایفا می‌نماید. «تد هاف» معتقد است که جهان بدون هویت‌ها جهان هرج و مرج، جهان عدم قطعیت غیرقابل علاج و فراگیر و جهانی بسیار خطرناک‌تر از آنارشی می‌باشد. هویت سه کارکرد لازم را در جامعه اجرا می‌نماید: هویت‌ها به (۱) شما و (۲) دیگران می‌گویند که شما چه کسی هستید و (۳) دیگران چه کسانی هستند. هویت‌ها در گفتن این نکته که شما چه کسی هستید به شدت بر مجموعه خاصی از منافع و اولویت‌ها نسبت به انتخاب کنش در حوزه‌های خاص و نسبت به بازیگران خاص اشاره دارند (Hopf, 1998, pp. 174-175)؛

بنابراین، مطابق نگرش «تد هاف»، هویت سه کارکرد دارد: ۱) به من می‌گوید کیستم. ۲) دیگری کیست و ۳) به من می‌گوید که من چه تفاوتی با دیگری دارم و به دیگری می‌گوید که او چه تفاوتی با من دارد. ضمناً در بحث هویت، موضوع اصلی بحث «غیرخودی» یا «دیگری» است. زیرا اگر «غیرخودی» یا «دیگری» نباشد، بحث هویت هرگز موضوعیت پیدا نمی‌کند. در بحث تروریسم نیز، موضوع مهم آن است که «غیرخودی» یا «دیگری» یک گروه تروریستی کیست.

در سطح چهارم، چهار موضوع «تلقین فکری»، «ساختار سازمانی»، «تکنیک‌های تقویت متقابل و احساس دلگرمی متقابل اعضا» و «راه‌کنش‌ها (تاکتیک‌های) چماق و هویج» اهمیت دارد. در شرایطی که خصوصیات و مؤلفه‌های شخصیتی رهبر (ان)، آرمان‌ها و شعارهای انسجام‌بخش گروه تروریستی و هویت سازمانی می‌تواند افراد را جذب یک گروه تروریستی نماید، در سطح چهارم، حفظ و جلوگیری از ریزش افراد جذب شده موضوعیت می‌یابد. اگر «تلقین فکری»، «ساختار سازمانی» (سلسله‌مراتب، نحوه ارتقای فرد و نحوه عمل اعضا)، «تکنیک‌های تقویت متقابل و احساس دلگرمی متقابل اعضا» و «راه‌کنش‌ها (تاکتیک‌های) چماق و هویج» (ساختارهای تشویق و تنبیه) نباشد، اعضای یک گروه تروریستی با ریزش مواجه خواهند شد. در شرایطی که فعالیت‌های تروریستی هزینه بالایی برای فرد دارد و آرمان‌ها و شعارهای انسجام‌بخش یک گروه تروریستی در کوتاه‌مدت، میان‌مدت یا درازمدت جذبه خود را برای اعضا از دست می‌دهد این «تلقین فکری»، «ساختار سازمانی»، «تکنیک‌های تقویت متقابل و احساس دلگرمی متقابل اعضا» و «راه‌کنش‌ها (تاکتیک‌های) چماق و هویج» است که می‌تواند یک گروه تروریستی را در مقابل ریزش اعضا مصون دارد یا حداقل دامنه و شدت آنها را کاهش دهد. به‌عنوان نمونه، یک سازمان تروریستی به‌واسطه بهره‌گیری از «تکنیک‌های تقویت متقابل و احساس دلگرمی متقابل اعضا» که نمود اصلی آن در شعارهایی نظیر «نترسید، نترسید ما همه با هم هستیم» متجلی می‌باشد، به اعضای خود قوت قلب داده و مانع از ریزش اعضا می‌گردد، زیرا بریدن هر فرد از یک گروه تروریستی مساوی است با شکار شدن توسط نیروهای حکومتی و تروریست بریده، می‌تواند اطلاعات ذی‌قیمتی را به سرویس‌های اطلاعاتی و نیروهای اعمال قانون (پلیس) حکومت منتقل نماید. علاوه بر این موارد، راه‌کنش‌ها (تاکتیک‌های) چماق و هویج (ساختارهای تشویق و تنبیه) هم می‌تواند مانع از ریزش اعضا گردد. در جدول ۱۰ به علل و عوامل سازمانی زمینه‌ساز تروریسم شش ضلعی در جمهوری

اسلامی ایران اشاره شده است.

جدول ۱۰: علل و عوامل سازمانی زمینه‌ساز تروریسم شش ضلعی در ایران (منبع: نگارندگان)

نام گروه تروریستی	رهبران	جاذبیت آرمان‌ها و شعارهای انسجام‌بخش گروه تروریستی ایرانی مردم	هویت سازمانی (من در مقابل دیگری)	پویایی‌های سازمانی [برای اعضا]			
				میزان تلقین فکری	اثرگذاری ساختار سازمانی (سلسله‌مراتب، نحوه ارتقای فرد و نحوه عمل اعضا)	اثرگذاری تکنیک‌های تقویت و متقابل احساس دلگرمی متقابل اعضا	اثرگذاری راه‌کنش‌ها یا تاکتیک‌های چماق و هویج (ساختارهای تشویق و تنبیه)
سازمان مجاهدین خلق	بسیار بالا	بسیار کم	من مجاهد در مقابل بقیه (رد همه)	بسیار بالا	بسیار بالا	بسیار بالا	بسیار بالا
انجمن پادشاهی ایران (تندر)	کم	بسیار کم	من سلطنت‌طلب در مقابل مخالفان سلطنت	متوسط	پایین	پایین	پایین
ارتش مردمی	کم	بسیار کم	من سلطنت‌طلب در مقابل مخالفان سلطنت	متوسط	پایین	پایین	پایین
حزب دموکرات کردستان ایران یا حدکا	بالا	بسیار کم (فقط در میان بخش کوچکی از کردها)	من کرد جدایی‌طلب در مقابل مخالفان تجزیه ایران	متوسط	متوسط	متوسط	متوسط
کومله	بالا	بسیار کم	من کرد جدایی‌طلب در مقابل مخالفان تجزیه ایران	بالا	بالا	بالا	بالا
حزب حیات آزاد کردستان یا پژاک (به‌عنوان زیرمجموعه PKK شناخته می‌شود)	بسیار بالا	بسیار کم	من کرد جدایی‌طلب در مقابل مخالفان تجزیه ایران	بسیار بالا	بسیار بالا	بسیار بالا	بسیار بالا
حزب آزادی کردستان یا پاک	متوسط	بسیار کم	من کرد جدایی‌طلب در مقابل مخالفان تجزیه ایران	متوسط	پایین	پایین	پایین
سازمان خبات انقلابی کردستان ایران یا خبات	متوسط	بسیار کم	من کرد جدایی‌طلب در مقابل مخالفان تجزیه ایران	متوسط	بسیار پایین	بسیار پایین	بسیار پایین
جامعه دموکراتیک و آزاد شرق کردستان یا کودار	بسیار بالا	بسیار کم	من کرد جدایی‌طلب در مقابل مخالفان تجزیه ایران	بسیار بالا	پایین	پایین	پایین

جنداله	بسیار بالا	بسیار کم (فقط در میان بخش کوچکی از بلوچ‌ها)	من بلوچ سنی مذهب در مقابل مخالفان	بسیار بالا	بسیار بالا	بسیار بالا
سپاه صحابه ایران	بالا	بسیار کم	من بلوچ سنی مذهب در مقابل مخالفان	متوسط	پایین	پایین
جیش العدل	بالا	بسیار کم	من بلوچ سنی مذهب در مقابل مخالفان	بسیار بالا	بسیار بالا	بسیار بالا
جیش النصر	متوسط	بسیار کم	من بلوچ سنی مذهب در مقابل مخالفان	متوسط	پایین	پایین
انصار الفرقان	متوسط	بسیار کم	من بلوچ سنی مذهب در مقابل مخالفان	متوسط	پایین	پایین
حرکة النضال العربی لتحرير الأحواز یا الأحوازیة	متوسط	بسیار کم (فقط در میان بخش کوچکی از عرب زبان‌ها)	من عرب جدایی طلب در مقابل مخالفان تجزیه ایران	بالا	بالا	بالا
حرکة التحرير الوطنی الأحواز	کم	بسیار کم	من عرب جدایی طلب در مقابل مخالفان تجزیه ایران	متوسط	پایین	پایین
جبهه دموکراتیک خلق عرب احواز	کم	بسیار کم	من عرب جدایی طلب در مقابل مخالفان تجزیه ایران	متوسط	پایین	پایین
حزب تضامن الديمقراطية الأحوازی	کم	بسیار کم	من عرب جدایی طلب در مقابل مخالفان تجزیه ایران	متوسط	پایین	پایین
سازمان ملی آزادی بخش احواز یا حزم احواز	کم	بسیار کم	من عرب جدایی طلب در مقابل مخالفان تجزیه ایران	متوسط	پایین	پایین
الجبهة (المنظمة) العربیة لتحرير الأحواز (میعاد)	کم	بسیار کم	من عرب جدایی طلب در مقابل مخالفان تجزیه ایران	متوسط	پایین	پایین
حزب النهضة العربی لتحرير الأحواز	کم	بسیار کم	من عرب جدایی طلب در مقابل مخالفان تجزیه ایران	متوسط	پایین	پایین
داعش (اسلام) منهای محبت و رحمت)	بسیار بالا	بسیار کم	من داعشی در مقابل بقیه (تکفیر همه)	بسیار بالا	بسیار بالا	بسیار بالا
فرقان (اسلام) منهای روحانیت)	بسیار بالا	بسیار کم	صرفاً تفسیر من از اسلام صحیح است و بقیه اشتباه می کنند	بسیار بالا	بسیار بالا	بسیار بالا

## علل و عوامل اقتصادی زمینه‌ساز تروریسم شش ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران

علل و عوامل اقتصادی زمینه‌ساز تروریسم شش ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران موارد مختلفی را شامل می‌گردد. «فقر»، «بیکاری»، «نابرابری ساختاریافته» و «انزوای اقتصادی» چهار علت اقتصادی زمینه‌ساز تروریسم در ایران هستند. لازم به ذکر است که این چهار دسته از علل اقتصادی زمینه‌ساز تروریسم مختص به جمهوری اسلامی ایران نیستند و در عمده کشورهای جهان این علل اقتصادی چهارگانه مطرح و پررنگ هستند.

ضمن آنکه وجود این علل چهارگانه اقتصادی به معنای اعطای مجوز اخلاقی به افراد فقیر جامعه جهت پیوستن به گروه‌های تروریستی نیست. در هیچ جای جهان، مشکل فقر افراد فقیر و به حاشیه رانده شده جامعه به واسطه روی آوردن آن‌ها به ترور حل نشده است، زیرا فقر محصول ساختارهایی است که تروریسم نمی‌تواند آن‌ها را از بین ببرد. البته متأسفانه عضوگیری گروه‌های تروریستی عمدتاً از میان افراد فقیر و به حاشیه رانده شده جامعه بوده است؛ بنابراین، هدف صرفاً تذکر به دولت در راستای رفع علل و عوامل چهارگانه اقتصادی جهت ایجاد وقفه در چرخه عضوگیری گروه‌های تروریستی از میان افراد فقیر و به حاشیه رانده شده جامعه، بالأخص در استان‌های مرزی می‌باشد.

وقتی فرد فقیر است و کاری برای انجام دادن و کسب درآمد ندارد و فاقد نظام ارزشی و بینشی، ایستار و ادراک عمیق نسبت به مناسبات سیاسی و اجتماعی جامعه است و از دگرسو، گروه‌های تروریستی دستمزدهای بالایی به وی پیشنهاد می‌دهند احتمال مقاومت فرد فقیر در برابر پیشنهاد تروریست‌ها بسیار پایین خواهد آمد. وقتی «نابرابری ساختاریافته» مانع توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌ها در سراسر کشور می‌شود و موجب تجمع امکانات و فرصت‌های اقتصادی در پایتخت و شهرهای بزرگ می‌گردد، بدیهی است که شهرها و روستاهای کوچک و محروم مرزی به کانون جذب عضو برای گروه‌های تروریستی مبدل خواهد شد. «انزوای اقتصادی» هم اگرچه دارای برخی هم‌پوشانی‌ها با «نابرابری ساختاریافته» است، لکن مفهومی است که ناظر بر گروه‌هایی می‌باشد که خود را از نظر اقتصادی به حاشیه رانده شده می‌بینند. به منظور فهم تفاوت «انزوای اقتصادی» با «نابرابری ساختاریافته» به ذکر یک مثال بسنده می‌گردد. «نابرابری ساختاریافته» زمانی حادث می‌گردد که به عنوان نمونه، فرصت دریافت تسهیلات اشتغال‌زایی در شهر تهران چند برابر یک



شهر کوچک مرزی باشد، اما «انزوای اقتصادی» در شرایطی محقق می‌گردد که یک فرد ساکن شهر مرزی علی‌رغم تمامی دشواری‌ها امکان بهره‌گیری از تسهیلات اشتغال‌زایی را به‌دست می‌آورد. لکن به‌دلیل نداشتن وثیقه یا ضامن معتبر نمی‌تواند تسهیلات را دریافت نماید و برای خود شغل و درآمد پایدار ایجاد کند و یا شهرداری یک شهر مرزی با برخوردهای خشن اجازه پهن کردن بساط به جوانان و افراد فاقد درآمد بالا را به‌بهانه حفظ نظم شهر نمی‌دهد. در چنین شرایطی می‌توان گفت که آن فرد خود را از نظر اقتصادی به‌حاشیه رانده شده می‌بیند. زیرا امکان برخورداری حداقلی از امکانات اقتصادی کشور را هم ندارد.

### علل و عوامل تاریخی زمینه‌ساز تروریسم شش‌ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران

در این بخش، زمینه و بستر تاریخی زمینه‌ساز تروریسم شش‌ضلعی مورد تدقیق قرار می‌گیرد. روایت‌ها و خاطره‌های تاریخی<sup>۱</sup> می‌توانند [بهانه] آنچه که تروریست‌ها [آن‌را] «تنها علت» مشغول شدن به خشونت می‌دانند به آن‌ها بدهد (Schmid, 2011, p. 274). البته همان‌گونه که ۲۰۰ محقق برجسته و دست‌اندرکار متخصص تروریسم در کنفرانس مادرید در مارس ۲۰۰۵ اشاره می‌نمایند، این روایت‌ها و خاطره‌های تاریخی صرفاً یک بهانه هستند.

از میان جریان‌های شش‌گانه تروریستی علیه جمهوری اسلامی ایران، چهار ضلع تروریسم چپ‌گرا یا دست‌چپی (مجاهدین خلق)؛ تروریسم چپ‌گرا - قومیت‌گرا - جدایی‌طلب (جریان‌های کرد)؛ تروریسم قومیت‌گرا - مذهبی (جریان‌های بلوچ)؛ و تروریسم قومیت‌گرا - جدایی‌طلب (جریان‌های عرب‌زبان) به‌واسطه یکی از شکل‌های خشن سیاسی (اعم از جنگ چریکی، نبرد مسلحانه و...) علیه حکومت پهلوی نیز مبارزه می‌نمودند. البته سابقه مبارزات مسلحانه جریان‌های کرد، عرب و بلوچ به دوران رضا خان می‌رسد. لازم به ذکر است که اهداف، روش و ایدئولوژی مبارزه این گروه‌ها با حکومت پهلوی در مقایسه با نیروهای انقلابی مسلمان به رهبری حضرت امام خمینی (ره) تفاوت ماهوی و عمیقی داشت.

مضاف بر این موضوع، تروریست‌ها هرگونه برخورد جمهوری اسلامی ایران با تروریست‌ها را به‌عنوان یک روایت و خاطره تاریخی (بر) ساخته می‌نمایند و از آن در راستای تولید نفرت و کینه بیشتر و جذب نیروهای تازه‌نفس در سال‌های بعد بهره می‌گیرند. البته نباید این نکته را از نظر دور

1. narratives and historical memories

داشت که برخورد و مقابله دولت‌ها با پدیده تروریسم که در دو دسته از تمهیدات تدافعی و تهاجمی متجلی می‌گردد، یک واکنش طبیعی می‌باشد و هیچ دولتی در سراسر جهان (حتی دولت‌های با ایدئولوژی لیبرال دموکراسی) نیز با پدیده تروریسم با مماشات برخورد نمی‌کنند و سخت‌ترین تمهیدات تدافعی و تهاجمی را جهت مقابله با پدیده تروریسم به کار می‌گیرند.

### علل و عوامل اجتماعی زمینه‌ساز تروریسم شش ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران

«عدم حمایت مردمی از برنامه‌های سیاسی رادیکال تروریست‌ها» و «وجود سطح بالایی از فاصله اجتماعی بین عاملان [یا بانیان] و قربانیان تروریسم» دو علت و عامل اجتماعی زمینه‌ساز تروریسم در ایران می‌باشند و این نکته‌ای است که «برینیار لیا» در هنگام بحث از تبیین‌های تروریسم به آن اشاره نموده و عنوان می‌دارد که ناکامی تروریست‌ها در بسیج حمایت مردمی از برنامه سیاسی رادیکال آن‌ها می‌تواند آغازگر تصمیم تروریست‌ها در به کارگیری تروریسم به منظور مهندسی افکار عمومی در راستای یک مواجهه خشونت‌آمیز با مقامات دولتی باشد (Lia, 2011, pp. 276). لازم به ذکر است که منظور از گزاره «وجود سطح بالایی از فاصله اجتماعی بین عاملان [یا بانیان] و قربانیان تروریسم» که توسط «برین یار لیا» مطرح شده است فاصله اقتصادی یا فاصله طبقاتی بین طبقات مرفه و فقیر جامعه نیست و بحث صرفاً بر سر فاصله اجتماعی می‌باشد.

از میان جریان‌های شش‌گانه تروریستی علیه جمهوری اسلامی ایران، پنج ضلع تروریسم چپ‌گرا یا دست‌چپی (مجاهدین خلق)؛ تروریسم چپ‌گرا - قومیت‌گرا - جدایی‌طلب (جریان‌های کرد)؛ تروریسم قومیت‌گرا - مذهبی (جریان‌های بلوچ)؛ و تروریسم قومیت‌گرا - جدایی‌طلب (جریان‌های عرب‌زبان)، قبل از ورود به فاز تروریستی یک برنامه سیاسی رادیکال را دنبال می‌نمودند. سازمان مجاهدین خلق پیش از ورود به فاز تروریستی در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، به دنبال براندازی جمهوری اسلامی ایران بود. جریان‌های کرد نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی و فروپاشی کامل نظام شاهنشاهی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به دنبال برنامه سیاسی رادیکال خود یعنی خودمختاری و جدایی‌طلبی بودند. جریان‌های بلوچ و عرب‌زبان نیز قبل از ورود به فاز تروریستی به دنبال برنامه سیاسی رادیکال خود یعنی جدایی‌طلبی بودند. عدم حمایت مردمی از برنامه‌های سیاسی رادیکال تروریست‌ها موجب گردید تا این چهار ضلع تروریستی وارد فاز تروریستی گردند. بدیهی است که اگر مردم و اصطلاحاً بدنه اجتماعی از برنامه مجاهدین خلق برای براندازی جمهوری اسلامی ایران و از برنامه جریان‌های

کرد، جریان‌های بلوچ و جریان‌های عرب زبان برای جدایی طلبی و خودمختاری حمایت می‌نمودند تروریست‌ها ضرورتی برای ورود به فاز تروریستی احساس نمی‌کردند.

علت اجتماعی بعدی، وجود سطح بالایی از فاصله اجتماعی بین عاملان [یا بانیان] و قربانیان تروریسم می‌باشد. نکته بسیار مهمی که در رابطه با چهار ضلع تروریسم چپ‌گرا یا دست چپی (مجاهدین خلق)؛ تروریسم چپ‌گرا - قومیت‌گرا - جدایی طلب (جریان‌های کرد)؛ تروریسم قومیت‌گرا - مذهبی (جریان‌های بلوچ)؛ و تروریسم قومیت‌گرا - جدایی طلب (جریان‌های عرب‌زبان) وجود دارد آن است مجاهد خلق به‌زعم خود برای خلق و به‌نام خلق دست به عملیات تروریستی می‌زند، اما اصلی‌ترین قربانیان آن سازمان، خلق یا همان مردم عادی کوچه و بازار بوده‌اند. حدکا، کومله، پژاک، پاک، خبات و کودار برای مردم کرد و به‌نام مردم کرد دست به عملیات تروریستی زده‌اند، اما اصلی‌ترین قربانیان آنان مردم کرد بوده‌اند. جنداله، جیش‌العدل، سپاه صحابه ایران، جیش‌النصر و انصارالفرقان برای مردم بلوچ و به‌نام مردم بلوچ دست به عملیات تروریستی زده‌اند، اما اصلی‌ترین قربانیان آنان مردم بلوچ بوده‌اند. حرکه النضال العربی لتحریر الأحواز یا الأحوازیه، حرکه التحریر الوطنی الأحواز، جبهه دموکراتیک خلق عرب احواز، حزب تضامن الدیمقراطی الأحوازی، سازمان ملی آزادی‌بخش احواز یا حزم، الجبهه (المنظمه) العربیه لتحریر الأحواز (میعاد) و حزب النهضة العربی لتحریر الأحواز برای مردم عرب‌زبان و به‌نام مردم عرب دست به عملیات تروریستی زده‌اند، اما اصلی‌ترین قربانیان آنان مردم عرب‌زبان بوده‌اند. این موضوع موید این مطلب است که برخلاف ادعای گروه‌های تروریستی ایران، سطح بالایی از فاصله اجتماعی بین عاملان [یا بانیان] و قربانیان تروریسم در ایران وجود دارد. بخشی از این فاصله اجتماعی ناشی از فاصله ارتباطی میان عاملان [یا بانیان] و قربانیان تروریسم بوده است. این نکته‌ای است که توسط «برین‌یار لیا» مطرح شده است: «تروریسم به احتمال زیاد در شرایطی که سطح بالایی از «فاصله اجتماعی» یا «قطبش اجتماعی»<sup>۱</sup> بین عاملان [یا بانیان] و قربانیان، از جمله درجه بالایی از فاصله فرهنگی و ارتباطی، نابرابری و استقلال کارکردی<sup>۲</sup> وجود دارد، رخ می‌دهد» (Lia, 2011, p. 276).

1. high levels of 'social distance' or 'social polarization'
2. functional independence

### علل و عوامل فرهنگی زمینه‌ساز تروریسم شش ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران

«منازعات فرهنگی» علت فرهنگی زمینه‌ساز تروریسم در ایران می‌باشند. ۲۰۰ محقق برجسته و دست‌اندرکار متخصص در کنفرانس مادرید در مارس ۲۰۰۵ نیز در هنگام بحث از علل ریشه‌ای تروریسم به عوامل «فرهنگی» هم اشاره می‌نمایند و عنوان می‌دارند که منازعات محلی و همچنین منازعات فرهنگی گسترده‌تر بین گروه‌های مذهبی و حتی بین قبایل و عشیره‌ها، مرحله آغازین عضوگیری گروه‌های تروریستی می‌باشد (Schmid, 2011, pp. 274).

این منازعه فرهنگی را به عینه می‌توان مشاهده نمود و امری بسیار روشن است. پیش از ورود به بحث لازم است که مشخص نمود منظور از «فرهنگ» چیست. «لزلی ای. وایت» در دانشنامه «بریتانیکا» در مورد «فرهنگ» عنوان می‌دارد که فرهنگ، رفتار مختص انسان اندیشه‌ورز<sup>۱</sup> می‌باشد که به همراه کالاها [یا منظره‌های] مادی<sup>۲</sup>، به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر این رفتار، مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ بنابراین فرهنگ شامل زبان، عقاید، باورها، آداب و رسوم، کدها، نهادها، ابزارها، فنون، آثار هنری، آیین‌ها و مراسم<sup>۳</sup> و سایر عناصر می‌باشد (White, 2022).

تمامی جریان‌های شش‌گانه تروریستی علیه جمهوری اسلامی ایران دارای منازعات فرهنگی شدیدی با جمهوری اسلامی ایران هستند. بدین معنا که عقاید، باورها، آداب و رسوم، کدها، نهادها، ابزارها، فنون، آثار هنری، آیین‌ها و مراسم بسیار متفاوتی از جمهوری اسلامی ایران دارند. البته زبان تروریسم مذهبی (داعش) به عنوان یکی از اجزای فرهنگ، متفاوت از زبان مردم ایران می‌باشد.

### علل و عوامل فنی زمینه‌ساز تروریسم شش ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران

علل و عوامل فنی زمینه‌ساز تروریسم به آن دسته از علل و عوامل تکنولوژیک اشاره دارد که موجب تسهیل عملیات‌های تروریستی می‌گردند. به عنوان نمونه، دستیابی سازمان مجاهدین خلق به

1. Homo sapiens

2. material objects

3. language, ideas, beliefs, customs, codes, institutions, tools, techniques, works of art, rituals, and ceremonies

دانش ساخت بمب‌های کوچک با قدرت تخریب بالا و ایجاد آتش‌سوزی که با کمک سرویس‌های اطلاعاتی غربی صورت گرفت، عملیات ترور شهدای والامقام بهشتی، رجایی، باهنر و... را تسهیل نمود. به‌عنوان یک نمونه دیگر، اگر قبل از شکل‌گیری فضای مجازی، عضوگیری یک گروه تروریستی به‌صورت چهره‌به‌چهره (فیس‌تو‌فیس) و به‌دشواری صورت می‌پذیرفت، امروزه و به مدد فضای مجازی و روش‌های نوین ارتباطات می‌توان به راحتی با جامعه هدف ارتباط گرفت و از میان آنان عضوگیری نمود. مضاف بر این موضوع، امروزه آموزش ساخت یک بمب انفجاری با استفاده از شکر و نیترات پتاسیم به راحتی در فضای مجازی برای تروریست‌هایی که حتی یک‌بار نیز چهره «افسر هادی» و/یا «افسر تماس» خود را مشاهده ننموده‌اند قابل دسترس است.

امروزه و با استفاده از روش‌های مراقبت که به مدد هوش مصنوعی و ابررایانه‌ها به دست آمده، می‌توان به سهولت و به‌واسطه بررسی رخ‌نماها (پروفایل‌های) افراد در شبکه‌های مجازی به عقاید، باورها و نگرش‌های سیاسی آنان پی برد، به راحتی با آنان ارتباط گرفت و آنان را اقناع نمود، از طریق رمزارزها برای آنان دستمزد واریز نمود، روش‌های ساخت بمب را در دسترس آنان قرار داد و نقشه مکان‌های مورد نظر جهت انجام عملیات تروریستی را برای تروریست‌ها ارسال نمود. تمامی این مراحل در شرایطی صورت می‌پذیرد که سردهسته (لیدر) رده میانی یک گروه تروریستی بدون آنکه چهره خود را به تروریست‌های جذب شده در فضای مجازی نشان دهد، کل این عملیات را بدون هرگونه استرس هدایت می‌نماید. بخش مهم ماجرا آنجا است که همین سردهسته (لیدر) و گروه متبوع وی، پس از دستگیری تروریست مدنظر و مجازات وی توسط جمهوری اسلامی ایران به سوگواری برای فرد تروریست و انتشار نفرت در فضای مجازی علیه جمهوری اسلامی ایران می‌پردازند.

لازم به ذکر است که این علل و عوامل فنی موجب کاهش هزینه‌های گروه‌های تروریستی شده است. به‌عنوان نمونه، اگر در گذشته و به‌واسطه اطلاعات هواداران (سمپات‌های) یک گروه تروریستی امکان جذب افراد درون ایران در گروه‌های تروریستی وجود داشت و هزینه انتقال این افراد به خارج از ایران، آموزش‌های مربوطه و ارسال مجدد فرد به داخل ایران جهت انجام عملیات تروریستی بسیار بالا بود، امروزه کل این چرخه از طریق فضای مجازی صورت می‌پذیرد. تروریسم راست‌گرا یا دست راستی (انجمن پادشاهی ایران یا تندر؛ و ارتش مردمی) بالاترین بهره‌برداری ممکن از این علل فنی را برده است. بسیاری از تروریست‌های وابسته به این دو گروه در فضای مجازی با سردهسته (لیدر) گروه‌های تروریستی سلطنت‌طلب آشنا شده‌اند، دستمزد خود از طریق رمزارز یا

به صورت نقدی در داخل ایران تحویل گرفته‌اند، آموزش دیده‌اند، نقشه مکان‌های مورد نظر جهت انجام عملیات تروریستی از طریق همین فضای مجازی برای آنان ارسال شده است و در نهایت دستگیر شده‌اند. بدون آنکه سران و عوامل این گروه‌های تروریستی سلطنت طلب متحمل هزینه بالایی شوند.

### علل و عوامل سیاسی زمینه‌ساز تروریسم شش ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران

«فرایندهای سرایت»، «نارضایتی سیاسی» و «سرخوردگی در مورد امکان ایجاد تغییر» سه علت سیاسی زمینه‌ساز تروریسم در ایران هستند. لازم به ذکر است که این سه دسته از علل سیاسی زمینه‌ساز تروریسم مختص به جمهوری اسلامی ایران نیستند و در عمده کشورهای جهان این علل سیاسی سه گانه مطرح و بلکه پررنگ هستند.

۲۰۰ محقق برجسته و دست‌اندرکار متخصص تروریسم در کنفرانس مادرید در مارس ۲۰۰۵ نیز در هنگام بحث از علل ریشه‌ای تروریسم به عوامل «سیاسی» اشاره می‌نمایند و عنوان می‌دارند که تروریسم ریشه در نارضایتی سیاسی<sup>۱</sup> دارد. فرایندهای سرایت<sup>۲</sup> ممکن است با عبور از سطح ملی عمل نموده و به واسطه شرایط مختلف، موجب گسترش [و شیوع] تروریسم از نقطه شکل‌گیری اولیه شوند. سرخوردگی<sup>۳</sup> در مورد امکان ایجاد تغییر از طریق اقدامات غیر خشونت‌آمیز یا از طریق اقدامات خشونت‌آمیز به غیر از تروریسم (مثلاً جنگ چریکی) به انتخاب تروریسم کمک می‌نماید (Schmid, 2011, pp. 272-273). «برین یار لیا» نیز معتقد است که هرچه نابرابری سیاسی گروه‌های اقلیت<sup>۴</sup> در یک کشور بیشتر باشد، احتمال آنکه آن کشور با تروریسم مواجه گردد بالاتر می‌رود (Lia, 2011, p. 276). «لیا» همچنین به این نکته اشاره می‌نماید که عملیات‌های موفقیت‌آمیز [تروریستی] در یک کشور کپی‌برداری از گروه‌های دیگر می‌باشد (Lia, 2011, pp. 276-277) از میان جریان‌های شش گانه تروریستی علیه جمهوری اسلامی ایران، «فرایندهای سرایت» در مورد پنج ضلع تروریستی شامل تروریسم چپ‌گرا یا دست چپی (سازمان مجاهدین خلق)، تروریسم راست‌گرا یا دست راستی (انجمن پادشاهی ایران یا تندر؛ و ارتش مردمی)، تروریسم چپ‌گرا - قومیت‌گرا - جدایی طلب (حزب دموکرات کردستان یا حدکا؛ کومله سازمان کردستان حزب

1. political discontent
2. contagion processes
3. disillusionment
4. political inequality of minority groups

کمونیست ایران یا سازمان انقلابی زحمت‌کشان کردستان ایران؛ حزب حیات آزاد کردستان یا پژاک؛ حزب آزادی کردستان یا پاک؛ سازمان خبات انقلابی کردستان ایران یا خبات؛ جامعه دموکراتیک و آزاد شرق کردستان یا کودار)، تروریسم قومیت‌گرا - مذهبی (جنداله، جیش‌العدل، سپاه صحابه ایران، جیش‌النصر و انصار الفرقان) و تروریسم قومیت‌گرا - جدایی‌طلب (حرکه النضال العربی لتحرير الأحواز یا الاحوازيه، حرکه التحرير الوطنی الأحواز، جبهه دموکراتیک خلق عرب احواز، حزب تضامن الديمقراطية الأحوازی، سازمان ملی آزادی‌بخش احواز یا حزم، الجبهه المنظمه) العربيه لتحرير الأحواز (میعاد و حزب النهضة العربی لتحرير الأحواز) موضوعیت دارد. بدین معنا که تروریست‌های ایرانی از تروریست‌های سایر کشورها الگوگیری نموده‌اند.

در رابطه با دو عامل دیگر یعنی «نارضایتی سیاسی» و «سرخوردگی در مورد امکان ایجاد تغییر»، باید گفت که لازم است نهادهای امنیتی و اطلاعاتی کشور توجه ویژه‌ای را به این دو عامل مبذول دارند. مدیریت این دو مورد اگرچه صرفاً در اختیار نهادهای امنیتی و اطلاعاتی کشور قرار ندارد و یک نگاه فراقوه‌ای (قوای مجریه، مقننه و قضائیه) با محوریت دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی را می‌طلبد، لکن مدیریت و کنترل این دو عامل موجب ریزش بخش زیادی از سمپات‌ها و طرفداران گروه‌های تروریستی می‌گردد و چرخه عضوگیری گروه‌های تروریستی را از حیز انتفاع خارج می‌سازد.

### علل و عوامل مذهبی زمینه‌ساز تروریسم شش ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران

۲۰۰ محقق برجسته و دست‌اندرکار متخصص تروریسم در کنفرانس مادرید در مارس ۲۰۰۵ نیز در هنگام بحث از علل ریشه‌ای تروریسم به عوامل «مذهبی» اشاره می‌نمایند و عنوان می‌دارند که نارضایتی‌های سیاسی و اقتصادی<sup>۱</sup> علل یا کاتالیزورهای اولیه [تروریسم] هستند و مذهب ابزاری برای مشروعیت‌بخشی و بسیج<sup>۲</sup> [جامعه] می‌باشد. اگرچه مذهب نمی‌تواند تنها عامل تروریسم باشد، لکن مذهب می‌تواند موجب تحریک و برانگیختن وضعیت گردد (Schmid, 2011, p. 273).

از میان جریان‌های شش‌گانه تروریستی علیه جمهوری اسلامی ایران، علل و عوامل مذهبی زمینه‌ساز تروریسم صرفاً در مورد دو ضلع تروریستی شامل تروریسم قومیت‌گرا - مذهبی (جنداله، جیش‌العدل، سپاه صحابه ایران، جیش‌النصر و انصار الفرقان) و تروریسم مذهبی (داعش) موضوعیت

1. political and economic grievances

2. mobilize

دارد. البته گروه فرقان نیز متأثر از تفاسیر شخصی از مذهب بود.

لازم به ذکر است، ترور که دارای سه معادل ارباب، فتک و اغتيال در زبان عربی می‌باشد در قرآن مجید، سیره نبی مکرم اسلام (ص) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) ممنوع و دارای حرمت شرعی می‌باشد تا بدان‌جا که حضرت مسلم (ع) از ترور (فتک) ابن زیاد در منزل جناب هانی ابن عروه (رحمه‌الله‌علیه) خودداری نمودند. به‌عنوان دو نمونه، در آیه ۳۲ سوره مبارکه «مائده» آمده است «به همین جهت، بر بنی‌اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین، بکشد، چنان است که گوئی همه انسان‌ها را کشته؛ و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گوئی همه مردم را زنده کرده است و رسولان ما، با دلایل روشن برای ارشاد آن‌ها آمدند، اما بسیاری از آن‌ها، پس از آن در روی زمین، تعدی و اسراف کردند» یا در آیه ۷۴ سوره مبارکه «کهف» عنوان گردیده «پس برفتند تا پسری را بدیدند و او را بکشت. گفت: آیا نفس محترمی که کسی را نکشته بود بی‌گناه کشتی! حقاً کاری قبیح کردی».

در جدول ۱۱ به علل و عوامل ده‌گانه زمینه‌ساز تروریسم شش‌ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران اشاره شده است.

جدول ۱۱: علل و عوامل ده‌گانه زمینه‌ساز تروریسم شش‌ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران (منبع: نگارندگان)

توضیحات خلاصه	مصادیق در تروریسم شش‌ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران	علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم شش‌ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران
(۱) تأمین مالی؛ (۲) آماد یا لجستیک (خانه‌های امن، مواد منفجره، پول در درون ایران و در زمان عملیات تروریستی)، ابزارهای تخصصی مورد نیاز در فعالیت‌های تروریستی، مدارک و اوراق هویتی، سلاح، پوشش، پشتیبانی و غیره؛ (۳) پشتیبانی اطلاعاتی؛ (۴) آموزش؛ (۵) به‌کارگیری مهره‌های نفوذی و سرپل‌های خود در ایران در راستای تسهیل عملیات تروریستی؛ (۶) تسهیل تردد تروریست‌ها در داخل و خارج از خاک ایران؛ (۷) برقراری ارتباطات امن برای تروریست‌ها؛ (۸) هماهنگی و هم‌افزایی جریان‌های تروریستی مختلف	حمایت همه‌جانبه برخی از کشورهای خارجی و سرویس‌های اطلاعاتی آن‌ها نظیر MI6, CIA, DGSE, Mossad, PET, AIVD, BND و ... از جریان‌های تروریستی شش‌ضلعی	علل و عوامل خارجی
دولت ورشکسته عراق در دوران صدام و دولت‌های ضعیف پاکستان و عراق در دوران فعلی که میزبان گروه‌های تروریستی ایرانی هستند	دولت‌های ضعیف و ورشکسته	



<p>تروریسم به افراد بدون قدرت احساس قدرت می‌دهد- تروریسم حس مهم بودن به تروریست‌ها می‌بخشد- خودبزرگ‌بینی تروریست‌ها- انتقام‌انگیزه اصلی تروریست‌ها می‌باشد- خودشیفتگی تروریست‌ها- کمبودهای روحی تروریست‌ها- خشونت سیاسی و خشونت جنایی انگیزه‌مند، عمدتاً کار مردان جوان مجرد می‌باشد- همه‌دشمن‌پنداری تروریست‌ها- بمب‌گذاری انتحاری یکی از نتایج نفرت از تمایلات جنسی می‌باشد- ممانعت از رشد روانی پیروان [گروه‌های تروریستی] زمینه‌ساز تروریسم [و اطاعت کورکورانه تروریست‌ها از رهبران] می‌باشد- ناتوانی بالقوه تروریست‌ها در عادی رفتار کردن - عملیات‌های موفقیت‌آمیز [تروریستی] در یک کشور کپی‌برداری از گروه‌های [تروریستی در کشورهای] دیگر می‌باشد- رفتارهای تکانشی تروریست‌ها- تلاش تروریست‌ها جهت دیده شدن و در کانون توجه رسانه‌ها بودن</p>	<p>مجموعه‌ای چهارده‌گانه از خصیصه‌های فردی تروریست‌ها</p>	<p>علل و عوامل روان‌شناختی</p>
<p>در سطح چهارم (پویایی‌های سازمانی)، چهار موضوع «تلقین فکری»، «ساختار سازمانی»، «تکنیک‌های تقویت متقابل و احساس دلگرمی متقابل اعضا» و «راه‌کنش‌ها (یا تاکتیک‌های) چماق و هویج» اهمیت دارد</p>	<p>چهار سطح: (۱) رهبران؛ (۲) ارمان‌ها و شعارهای انسجام‌بخش گروه تروریستی؛ (۳) هویت سازمانی؛ و (۴) پویایی‌های سازمانی</p>	<p>علل و عوامل سازمانی</p>
<p>وقتی فرد فقیر است و کاری برای انجام دادن و کسب درآمد ندارد و فاقد نظام ارزشی و بینشی، ایستار و ادراک عمیق نسبت به مناسبات سیاسی و اجتماعی جامعه است و از دگرسو، گروه‌های تروریستی دستمزد‌های بالایی به وی پیشنهاد می‌دهند احتمال مقاومت فرد فقیر در برابر پیشنهاد تروریست‌ها بسیار پایین خواهد آمد</p>	<p>«فقر»، «بیکاری»، «نابرابری ساختاریافته» و «انزوای اقتصادی»</p>	<p>علل و عوامل اقتصادی</p>
<p>هرگونه برخورد جمهوری اسلامی ایران با تروریست‌ها که یک واکنش کاملاً طبیعی است، توسط تروریست‌ها به‌عنوان یک روایت و خاطره تاریخی (بر)ساخته می‌شود و از آن در راستای تولید نفرت و کینه بیشتر و جذب نیروهای تازه نفس در سال‌های بعد بهره گرفته می‌شود</p>	<p>روایت‌ها و خاطره‌های تاریخی تروریست‌ها</p>	<p>علل و عوامل تاریخی</p>
<p>از میان جریان‌های شش‌گانه تروریستی علیه جمهوری اسلامی ایران، پنج ضلع تروریسم چپ‌گرا یا دست چپی (مجاهدین خلق)؛ تروریسم چپ‌گرا- قومیت‌گرا- جدایی‌طلب (جریان‌های کرد)؛ تروریسم قومیت‌گرا- مذهبی (جریان‌های بلوچ)؛ و تروریسم قومیت‌گرا- جدایی‌طلب (جریان‌های عرب زبان)، قبل از ورود به فاز تروریستی یک برنامه سیاسی رادیکال را دنبال می‌نمودند که مورد اقبال مردم ایران و حتی قومیت‌های کرد، بلوچ و عرب قرار نگرفت</p>	<p>«عدم حمایت مردمی از برنامه‌های سیاسی رادیکال تروریست‌ها» و «وجود سطح بالایی از فاصله اجتماعی بین عاملان آیا بانیان و قربانیان تروریسم»</p>	<p>علل و عوامل اجتماعی</p>
<p>تمامی جریان‌های شش‌گانه تروریستی، دارای منازعات فرهنگی شدیدی با جمهوری اسلامی ایران هستند. بدین معنا که عقاید، باورها، آداب و رسوم، کدها، نهادها، ابزارها، فنون، آثار هنری، آیین‌ها و مراسم بسیار متفاوتی از جمهوری اسلامی ایران دارند</p>	<p>منازعات فرهنگی تروریست‌ها با جمهوری اسلامی ایران</p>	<p>علل و عوامل فرهنگی</p>
<p>امروزه و با استفاده از تکنیک‌های مراقبت، می‌توان به سهولت و به‌واسطه بررسی رخنه‌ها (یا پروفایل‌های) افراد در شبکه‌های مجازی به عقاید، باورها و نگرش‌های سیاسی آنان پی برد، به راحتی با آنان ارتباط گرفت، از طریق رمزارزها برای آنان دستمزد واریز نمود، تکنیک‌های ساخت بمب را در دسترس آنان قرار داد و نقشه مکان‌های مورد نظر جهت انجام عملیات تروریستی را برای تروریست‌ها ارسال نمود</p>	<p>موجب تسهیل عملیات‌های تروریستی می‌گردند</p>	<p>علل و عوامل فنی</p>
<p>در رابطه با دو عامل «نارضایتی سیاسی» و «سرخوردگی در مورد امکان ایجاد تغییر»، باید گفت که لازم است نهادهای امنیتی و اطلاعاتی کشور توجه ویژه‌ای را به این دو عامل مبذول دارند. مدیریت این دو مورد صرفاً در اختیار نهادهای امنیتی و اطلاعاتی کشور قرار ندارد و یک نگاه فراقوهای (قوای مقننه، مجریه و قضائیه) با محوریت دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی را می‌طلبد</p>	<p>«فرایندهای سرایت»، «نارضایتی سیاسی» و «سرخوردگی در مورد امکان ایجاد تغییر»</p>	<p>علل و عوامل سیاسی</p>
<p>ترور که دارای سه معادل ارباب، فتک و اغتیل در زبان عربی می‌باشد در قرآن مجید، سیره نبی مکرّم اسلام (ص) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) ممنوع و دارای حرمت شرعی می‌باشد تا بدان‌جا که حضرت مسلم (ع) از ترور (یا فتک) این زیاد در منزل جناب هانی این عروه خودداری نمودند</p>	<p>تفسیر شخصی از مذهب- اسلام منهای روحانیت</p>	<p>علل و عوامل مذهبی</p>

اگرچه جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از قربانیان تروریسم، یک سلسله از تمهیدات ضدتروریستی تدافعی و تهاجمی را در راستای کاهش آسیب‌های وارده به مردم خود طراحی و اجرا نموده است، لکن از بین بردن ریشه‌های تروریسم صرفاً به‌واسطه بهره‌گیری از تمهیدات ضدتروریستی تدافعی و تهاجمی میسر نیست، بلکه مستلزم آن است که علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم را به‌واسطه بهره‌گیری از نظریه‌های پرمایه و عمیق مورد بررسی قرار داد تا بر اساس بینش حاصل شده، بتوان آن‌ها را مدیریت نمود. از تاریخ سوم اردیبهشت ۱۳۵۸ یعنی هفتاد روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی که دو نفر از اعضای گروه موسوم به «فرقان»، سرلشکر «محمودولی قرنی»، رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران را در منزل خود واقع در خیابان ولی عصر (پهلوی سابق) ترور نمودند، جمع زیادی از مردم و مسئولین، قربانی پدیده شوم تروریسم شش‌ضلعی شده‌اند. در این پژوهش، آموزه‌های محققان جریان اصلی مطالعات تروریسم (دیدگاه‌های «آدری کرت کرونین»، «۲۰۰۰ محقق برجسته و دست‌اندرکار متخصص تروریسم در کنفرانس مادرید در مارس ۲۰۰۵» و «برینیار لیا») به روش «گلچین‌گرایی تحلیلی» در راستای بررسی علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم شش‌ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران به‌کار بسته شد. یافته‌های این پژوهش حاضر ضمن تأیید فرضیه پژوهش نشان می‌دهد که علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم شش‌ضلعی علیه جمهوری اسلامی ایران ده مورد هستند که شامل ۱) علل و عوامل خارجی (حمایت همه‌جانبه برخی از کشورهای خارجی و سرویس‌های اطلاعاتی آن‌ها نظیر CIA، MI6، Mossad، DGSE، BND، AIVD، PET و... از جریان‌های تروریستی شش‌ضلعی و همچنین وجود دولت‌های ضعیف و ورشکسته نظیر پاکستان و عراق به‌عنوان میزبان تروریست‌ها)؛ ۲) علل و عوامل روان‌شناختی (مجموعه‌ای چهارده‌گانه از خصیصه‌های فردی تروریست‌ها)؛ ۳) علل و عوامل سازمانی (شامل «رهبر (ان)»، «آرمان‌ها و شعارهای انسجام‌بخش گروه تروریستی»، «هویت سازمانی» و «پویایی‌های سازمانی»)؛ ۴) علل و عوامل اقتصادی («فقر»، «بیکاری»، «ناابرابری ساختاریافته» و «انزوای اقتصادی»)؛ ۵) علل و عوامل تاریخی (روایت‌ها و خاطره‌های تاریخی تروریست‌ها)؛ ۶) علل و عوامل اجتماعی («عدم حمایت مردمی از برنامه‌های سیاسی رادیکال تروریست‌ها» و «وجود سطح بالایی از فاصله اجتماعی بین عاملان [یا بانیان] و قربانیان تروریسم»)؛ ۷) علل و عوامل فرهنگی (منازعات فرهنگی تروریست‌ها

با جمهوری اسلامی ایران؛ ۸) علل و عوامل فنی (که موجب تسهیل عملیات‌های تروریستی می‌گردند؛ ۹) علل و عوامل سیاسی («فرایندهای سرایت»، «نارضایتی سیاسی» و «سرخوردگی در مورد امکان ایجاد تغییر»؛ و ۱۰) علل و عوامل مذهبی (تفاسیر شخصی از مذهب) هستند.

این یافته‌ها ما را به این مهم رهنمون می‌سازد که در استراتژی ضدتروریسم جمهوری اسلامی ایران به‌منظور کاهش آسیب‌های وارده به مردم، علاوه بر کاربست یک دسته از تمهیدات تدافعی و تهاجمی، می‌باید علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم نیز مورد توجه قرار گیرند. در این راستا، لازم است که معاونت ضدتروریسم وزارت اطلاعات (واجب) و بخش ضدتروریسم سازمان اطلاعات سپاه به‌عنوان زیرمجموعه معاونت امنیت، در هماهنگی با دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، ساختار سیاسی - اقتصادی را متوجه این مهم نمایند تا در بودجه‌های سنواتی سرفصلی تحت عنوان مدیریت علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم گنجانده شود. زیرا کمرنگ نمودن و خشکاندن علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم مستلزم اختصاص ردیف‌های بودجه‌ای خاص می‌باشد. اگرچه ممکن است ساختار سیاسی - اقتصادی کشور به‌دلیل کمبود منابع ناشی از تحریم‌های ظالمانه غرب مقاومت‌هایی در برابر پیش‌بینی ردیف‌های بودجه‌ای جهت مدیریت علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم بنماید، لکن در صورت ارائه این استدلال که هزینه‌های انجام گرفته در راستای کمرنگ نمودن و خشکاندن علل و عوامل زمینه‌ساز تروریسم کمتر از هزینه‌های تحمیل شده ناشی از تروریسم خواهد بود، قطعاً مخالفت ساختار سیاسی - اقتصادی کشور تعدیل خواهد شد؛ بنابراین می‌توان گفت که تدوین یک استراتژی کارآمد در راستای مدیریت و کاهش اثر علل و عوامل ده‌گانه تروریسم صرفاً در اختیار نهادهای امنیتی و اطلاعاتی کشور قرار ندارد و یک نگاه فراقوه‌ای (قوای مقننه، مجریه و قضائیه) با محوریت دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی را می‌طلبد.

1. Booth, K. (1991). **Security and Emancipation**. Review of International Studies, 17(4), 313–326.
2. Checkel, J. T. (2013). **Theoretical pluralism in IR: Possibilities and limits**. In Walter Carlsnaes, Thomas Risse and Beth A. Simmons. Handbook of International Relations. Washington DC, Los Angeles, London, New Delhi and Singapore : SAGE.
3. Chernoff, F. (2007). **Theory and Metatheory in International Relations: Concepts and Contending Accounts**. New York & Hampshire: Palgrave Macmillan.
4. Chernoff, F., Cornut, J., & James, P. (2020). **Analytic Eclecticism and International Relations: Promises and Pitfalls**. International Journal, 0(0), 1–9.
5. Combs, C. C. (2000). **Terrorism In The Twenty-First Century**. Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall.
6. Cronin, A. K. (2004). **Sources Of Contemporary Terrorism**. In Audrey Kurth Cronin & James M. Ludes. Attacking Terrorism: Elements of a Grand Strategy. Washington, DC: Georgetown University Press.
7. Devost, M. G., Houghton, B. K., & Pollard, N. A. (1997). **Information Terrorism: Political Violence in the Information Age**. Terrorism and Political Violence, 9(1), 72-83.
8. Fotion, N. (2004). **The Burdens of Terrorism**. In Igor Primoratz. Terrorism: The Philosophical Issues. New York: Palgrave Macmillan.
9. Herring, E. (2008). **Critical Terrorism Studies: An Activist Scholar Perspective**. Critical Studies on Terrorism. 1(2), 197-211.
10. Hopf, T. (1998). **The Promise of Constructivism in International Relations Theory**. International Security, 23(1), 171-200
11. Hughes, J. A. (1990). **The Philosophy of Social Research**. Second Edition. London: Longman.
12. Jackson, R. (2009). **Knowledge, Power and Politics In The Study of Political Terrorism**. In Richard Jackson, Marie Breen Smyth & Jeroen Gunning. Critical Terrorism Studies: A New Research Agenda. London & New York: Routledge.
13. Jackson, M. W. (1990). **Terrorism, 'Pure Justice' and Pure 'Ethics'**. Terrorism and Political Violence, 2(3), 402-414.

14. Lia, B. (2011). **Insights and Hypotheses on Causes of Terrorism Identified on the Basis of a Survey of the Literature on Terrorism.** In Alex P. Schmid. The Routledge Handbook of Terrorism Research. London & New York: Routledge.
15. Maskaliūnaitė, A. (2018). **Defining Terrorism.** In Daniela Pisoiu & Sandra Hain. Theories of Terrorism: An Introduction. London & New York: Routledge.
16. Merari, A. (1999). **Terrorism As A Strategy of Struggle: Past and Future.** Terrorism and Political Violence, 11(4), 52-65.
17. NATO Standardization Agency (2018). **NATO Glossary of Terms and Definitions (English and French).** Brussels: Allied Administrative Publications.
18. Neumann, P. R. & Smith, M. L. R. (2008). **The Strategy of Terrorism: How It Works, and Why It Fails.** London & New York: Routledge.
19. Pillar, P. R. (2008). **Counterterrorism.** In Paul D. Williams. Security Studies: An Introduction. London & New York: Routledge.
20. Pisoiu, D., & Hain, S. (2018). **The Making of Terrorism.** In Daniela Pisoiu & Sandra Hain. Theories of Terrorism: An Introduction. London & New York: Routledge.
21. Schmid, A. P. (2011). **Twelve Rules for Preventing and Combatting Terrorism.** In Alex P. Schmid. The Routledge Handbook of Terrorism Research. London & New York: Routledge.
22. Schmid, A. P. (2004). **Frameworks For Conceptualising Terrorism.** Terrorism and Political Violence, 16(2), 197-221.
23. Seib, P., & Janbek, D. M. (2011). **Global Terrorism and New Media: The Post-Al Qaeda Generation.** London & New York: Routledge.
24. Sil, R., & Katzenstein, P. J. (2010). **Beyond Paradigms: Analytic Eclecticism in the Study of World Politics.** Hampshire & New York: Palgrave Macmillan.
25. Tilly, C. (2004). **Terror, Terrorism, Terrorists.** Sociological Theory, 22(1), 5-13.
26. Waltz, K. N. (1979). **Theory of International Politics.** Mass: Addison-Wesley.
27. Wæver, O. (1995). **Securitization and Desecuritization.** In Ronnie D. Lipschutz. On Security. New York: Columbia University Press.
28. White, L. A. (2022). **culture.** Retrieved from Encyclopedia Britannica Website: <https://www.britannica.com/topic/culture>